

کنیم و ایاری امام زمان چگونه

عبدالکریم
مطهری



سید مهدی طائری (تألیف)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟

نویسنده:

سید مهدی حائری قزوینی (واصلی)

ناشر چاپی:

مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟
۷	مشخصات کتاب
۷	تقدیم
۷	فضیلت دعای عهد
۷	سخن مؤلف
۹	خداوند بی‌نیاز
۹	شکوفایی استعدادها
۱۱	پاسخ امام علیه السلام به فرشتگان و جّیان
۱۱	معنای نصرت
۱۱	اشاره
۱۲	نکته اول: فرق انصار با اصحاب
۱۲	نکته دوم: انصار امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»
۱۲	انصار امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»
۱۳	اول: نخستین ناصر امام زمان علیه السلام خود خداوند است
۱۳	دوم: در درجه بعدی، انصار امام زمان علیه السلام ملائکه هستند
۱۳	سوم: جّیانی که از مؤمنین هستند
۱۴	چهارم: رُعب و وحشت در دل دشمنان
۱۴	پنجم: خداوند امام زمان علیه السلام را با معجزات یاری می‌نماید
۱۵	ششم: از انصار امام زمان علیه السلام مؤمنین هستند
۱۶	گونه‌های یاری امام
۱۸	مددکار امام زمان علیه السلام باشیم
۱۹	اقسام یاری به زبان

- جلوگیری از ناگواری‌ها ۲۰
- نقش دعا در برطرف کردن ناگواری ۲۰
- پیام امام کاظم علیه السلام ۲۱
- صدقه، بلاها را دور می‌سازد ۲۲
- پرهیز از رفتار ناگوار ۲۲
- شتاب در برآوردن نیازهای امام زمان علیه السلام ۲۳
- خواسته‌های امام عصر «عجل الله فرجه» ۲۴
- مردی از اهالی ری ۲۵
- فرمانبری از امام زمان علیه السلام ۲۶
- سه فرمان امام عصر «عجل الله فرجه» ۲۷
- توضیح ۲۷
- ۱ - تقلید ۲۷
- ۲ - دعا برای تعجیل فرج ۲۸
- ۳ - زیارت آن حضرت «عجل الله فرجه» ۲۸
- پشتیبانی از امام زمان علیه السلام ۲۸
- حامیان بزرگ دین ۲۹
- پیشتازی به خواسته امام زمان علیه السلام ۲۹
- عبادت در عصر غیبت ۳۰
- شهادت در پیشگاه امام زمان «عجل الله فرجه» ۳۱
- فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران ۳۲
- پی نوشت ها ۳۴

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟

مشخصات کتاب

سرشناسه: حائری قزوینی مهدی ۱۳۳۴ - عنوان و نام پدیدآور: چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟ / مولف مهدی حائری قزوینی (واصلی). مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۹۸ص. شابک: ۴۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۷۳-۰۵۱-۶؛ ۱۰۰۰۰ ریال چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۵۱-۶ وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۷. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. — یاری موضوع: مهدویت شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ح۲۵ چ۸ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۲۴۹۰۴

تقدیم

به پیشگاه با عظمت اول مظلوم تاریخ، مولای متقیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و تمامی مظلومان جهان که چشم به راه‌اند تا امام قائم عجل الله فرجه به پا خیزد و بنیاد ظلم و ستم را براندازد و پرچم عدل و داد را در سراسر گیتی برافرازد این اثر ناچیز را تقدیم می‌دارم. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ «خداوندا! مرا از یاران و یاوران و مدافعان و شتابندگان به سوی آن حضرت در برآوردن نیازهایش و از پشتیبانان او و پیشروان به اجرای خواسته اش و از شهید شدگان در پیشگاهش قرار ده». (فرازی از دعای عهد)

فضیلت دعای عهد

نظر به این که مباحث این اثر در شرح و توضیح یکی از جملات دعای عهد تألیف گردیده است، ابتدا به بیان فضیلت و اهمیت این دعای شریف می‌پردازم: دعای عهد از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده و آن جناب فرمودند: هر کس چهل بامداد این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، خداوند متعال او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن حضرت جهاد نماید و به شماره هر کلمه از این دعا پاداش هزار کار پسندیده برایش نوشته می‌شود و هزار کار ناپسند از پرونده او محو می‌گردد. (۱) این دعای شریف مشتمل بر درود مخصوص از سوی خواننده این دعا و نیز از طرف تمامی مردان و زنان مؤمن ساکن در مشرق و مغرب خشکی‌های زمین و دریاست، به خصوص از جانب پدر و مادر و فرزندان او، به پیشگاه قطب عالم امکان حضرت مهدی «عجل الله فرجه» است، سپس تجدید عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت، و پایداری بر این ایمان تا روز قیامت باقی و برقرار است. دعا کننده از خداوند درخواست می‌کند که اگر مرگ من فرا رسد در حالی که امام زمان علیه السلام ظهور نکرده باشند، پس بعد از ظهور او مرا از قبرم برآور و سعادت یاری آن حضرت را نصیب من کن. آن گاه درخواست دیدار با عبارت ظریفی بیان شده است. (۲)

سخن مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا خاتم الانبياء والمرسلين محمد وآله المنتجبين، سيما

مولانا صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه و جعلنا من أنصاره و أعوانه و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين الى يوم الدين». نوشتاری که پیش روی شماس، شرح و توضیح جمله ای از دعای شریف عهد و بیان قسمتی از وظایف مؤمنان نسبت به حضرت ولی عصر «عجل الله فرجه» است. متأسفانه این زاویه مهم از مباحث مربوط به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در طول تاریخ طولانی غیبت مورد اهتمام و توجه پژوهشگران واقع نشده و آن طور که شایسته است به آن پرداخته‌اند، و تا آنجا که من اطلاع دارم فقط یک کتاب به نام «شیوه‌های یاری قائم آل محمد «عجل الله فرجه»، تألیف مرحوم آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی» در این باره انتشار یافته است. و این یکی از جهات مظلومیت امام زمان علیه السلام است که شیعیان و دوستانش پس از قرن‌ها آوارگی و گرفتاری و رنج و فشار، هنوز هم برای قیام جهانی آن یگانه منجی عالم بشریت، آن آمادگی همگانی و پذیرش کامل فکری و عملی و تشنگی و اشتیاق را نیافته‌اند و در جهت اجرایی شدن عدل و داد همه جانبه و فراگیر، همدلی و هم سوئی لازم را ندارند و غالباً از مسؤولیت‌های خودشان در برپایی آن نظام روح‌بخش بی‌خبرند! بسا افرادی که به نماز و روزه و عبادت و آیین‌های دینی پایبند هستند، اما آینده بشریت و اوضاع مردم جهان برای آنان هیچ اهمیتی ندارد و گویا غیبت طولانی امام زمان «عجل الله فرجه» را خواست و اراده بی‌چون و چرای خداوند می‌دانند و برای همه چیز دعا می‌کنند جز تعجیل فرج و ظهور امام عصر ارواحنا فداه! بعضی از مردم حتی حاضر نیستند نزدیک‌ترین کسان خود را به آیین‌های دینی فراخوانند و یا از گناه و معصیت بازدارند و هشدار دهند و فقط به فکر آنند که گلیم خویش را از آب بیرون برند! و بسیاری کسانی که به گمان خود با قرآن انس دارند و با تمام وجود به آن دل بسته‌اند اما هنگام ظهور امام عصر «عجل الله فرجه» با حربه قرآن با آن حضرت مخالفت خواهند کرد و آیات قرآن را بر ضد آن حضرت تفسیر و تأویل خواهند نمود. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه حضرت قائم علیه السلام بپاخیزد از مردمان جاهل بیش از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از جاهلان جاهلیت صدمه دید، صدمه و محنت می‌بیند. راوی پرسید: این چگونه است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در حالی به سوی مردم آمد که سنگ‌ها و کلوخ‌ها و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند ولی هنگامی که قائم ماعلیه السلام بپاخیزد با مردمانی مواجه خواهد شد که همه آنان کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و با آن بر او احتجاج می‌نمایند. (۳) ممکن است افرادی از حرکت اصلاحی همه جانبه امام عصر «عجل الله فرجه» و برنامه‌های جامع و شیوه‌های دقیق حکومت آن حضرت در عرصه‌های علم و عمل و قلمرو اعتقاد و فرهنگ و اقتصاد و ... بی‌خبر باشند و رفتار و سلوک آنان برخلاف سیره امام علیه السلام بوده باشد اما دوستی آن حضرت را ادعا کنند و حوائج و خواسته‌های خود را از آن جناب تقاضا نمایند ولی هیچ‌گونه وظیفه و مسؤولیتی نسبت به امام علیه السلام احساس نکنند. و کسانی را می‌بینیم که نام مقدس امام عصر «عجل الله فرجه» را بر زبان دارند ولی در جهت منافع و غرض‌های دنیوی خود آن را به کار می‌برند و مایل نیستند دوران غیبت به سرآید و حکومت عدل و داد برقرار شود، چرا که خوب می‌دانند در آن روزگار فرخنده مورد بازخواست واقع می‌شوند و به کیفر اعمال خود می‌رسند. حتی اخیراً دیده می‌شود که افرادی برای تولد آن حضرت جشن می‌گیرند اما در همان جشن‌ها برنامه‌هایی را انجام می‌دهند که با شرع مقدس مغایرت دارد و هدف از خوشحالی در ولادت مصلح جهان را نمی‌دانند! زنانی که دستور مهم حجاب را زیر پا می‌گذارند و پوشش دینی را رعایت نمی‌کنند، با این حال خود را منتظر امام زمان «عجل الله فرجه» می‌شمارند! همه این‌ها و مسائل و دردهای فراوان دیگر... از نشانه‌های مظلومیت امام زمان علیه السلام می‌باشد که شاید بتوان گفت: آن حضرت از دوستان نادان خود بیش از دشمنان دانا در رنج است. نوشتار حاضر گامی کوتاه و تلاشی اندک در جهت تبیین برخی از وظایف و مسؤولیت‌های مؤمنان نسبت به ساحت مقدس مولایمان حضرت مهدی «عجل الله فرجه» است. مباحث کلی و اساسی این اثر طی چند سخنرانی در اهواز و اصفهان و قزوین در اوقات مختلف عرضه شده است. سپس به صورت کنونی برای نشر ترتیب یافته است. خداوند را بی‌نهایت سپاسگزارم که مرا بر انجام این خدمت ناچیز موفق ساخت و از درگاه او عاجزانه مسألت دارم که آن را به کرم خویش قبول فرماید و بیش از پیش مورد عنایت مولایم حضرت صاحب الزمان

ارواحنا فداه قرار دهد. شهر مقدّس قم سید مهدی حائری قزوینی رجب الاصب/۱۴۲۷ه.ق (واصلی) بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَاثْبُتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتُ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ». (۴)

خداوند بی‌نیاز

خداوند در این آیه شریفه به تمام مؤمنین، در همه زمان‌ها فرمان می‌دهد که «کُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ»؛ یعنی این صفت در شما ثابت و دوام داشته باشد که یاری‌گر خداوند باشید؛ یعنی این صفت ملکه شما باشد نه این که در روز یا ساعتی مثلاً هر گاه مایل بودید، یاری‌کننده خدا باشید. این سؤال پیش می‌آید که خداوند در آیاتی از قرآن کریم می‌فرماید: خداوند بی‌نیاز از آفریدگان است بلکه مخلوقین نیازمند او هستند. از جمله این که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ * إِنْ يَشَاءَ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ»؛ (۵) «ای مردم شما نیازمند به خداوند هستید و فقط خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است. اگر بخواهد شما را از بین می‌برد و آفریدگان تازه‌ای بوجود می‌آورد و این کار بر خداوند سخت و گران نیست». و در آیه دیگر فرماید: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»؛ (۶) «یاری (و پیروزی) جز از خداوند نیست». علاوه بر آیات قرآن، به دلایل عقلی نیز ثابت است که خداوند از مخلوق بی‌نیاز است و یکی از صفات خداوند غنی است. با وجود این آیات و دلایل عقلی و نقلی خود خداوند می‌فرماید: «إِنَّ تَنْصِرُوا اللَّهَ يَنْصِرْكُمْ»؛ (۷) «چنانچه خدای را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد نمود» و یا در آیه دیگر می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»؛ (۸) «کیست که به خداوند قرض نیکویی دهد؟». این سؤال را امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ می‌دهد. آن حضرت علیه السلام با استشهاد به دو آیه فوق می‌فرماید: «فَلَمْ يَسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذُلٍّ وَلَمْ يَسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قَلْبٍ. اسْتَنْصِرْكُمْ وَلَهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاسْتَقْرِضْكُمْ وَلَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَإِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يُبَلِّغَكُمْ أَيْتُكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا»؛ (۹) «پس او از جهت خواری از شما یاری نخواسته، و به خاطر کمبود و نیازمندی از شما درخواست وام ننموده است، او در حالی از شما یاری طلبیده که سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن اوست و (بر همگان) غالب و (بر هر تدبیری) داناست و در حالی از شما وام خواسته که گنجینه‌های آسمان و زمین را داراست و بی‌نیاز و ستوده است و جز این نیست که خواسته تا شما را بیازماید که کدام یک عملش نیکوتر است». ما هر چه داریم از خداست. نفس می‌کشیم از خداست. اگر مال و ثروت و زن و فرزندی داریم همه از خداست، ما که چیزی از خود نداریم. ما خودمان می‌گوییم: «أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْكِنٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا»؛ (۱۰) یعنی نفع رساندن به خود در دست انسان نیست بلکه ولاضراً ضرر زدن نیز به دست انسان نیست ولا موتاً مرگ نیز به دست انسان نیست. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به سبب نداری و بیچارگی از شما قرض نمی‌خواهد بلکه به سبب آزمون و امتحان شماست». «وَإِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يُبَلِّغَكُمْ أَيْتُكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا».

شکوفایی استعدادها

علّت دیگر این که: آن استعدادهایی که در نهاد افراد نهفته است به فعلیت درآید تا بعد اعتراضی نباشد. مانند این که معلّم شاگردانش را امتحان می‌کند. البته معلّم نمونه و استاد ماهر، کسی است که امتحان نگرفته می‌داند هر شاگردی لایق چه نمره‌ای است. چنین معلّمی کار کشته و فهمیده است که امتحان نگرفته می‌داند که کدام شاگردش درس را فهمیده و کدام شاگرد درس را نفهمیده است ولی با این حال، باز هم ناگزیر از امتحان است. چرا؟ چون اگر چنین معلّمی به شاگردان طبق نظر خود نمره دهد مورد اعتراض آن‌ها قرار می‌گیرد. چون چه بسا خود دانش آموز باورش نمی‌شود که مقداری از درس را متوجه نبوده و نمی‌دانسته. لذا

دیده می‌شود که هنگام امتحان با سؤالاتی مواجه می‌شود که با خود می‌گویید من همه درس را می‌دانستم مگر این مورد را. و همچنین اگر معلم بدون امتحان نمره دهد ممکن است نسبت به دیگران مورد اعتراض قرار گیرد. مثلاً بگویند چرا به فلان شخص نمره خوب دادی در حالی که درس نمی‌خواند و شاگرد تبلی بود. بنابراین امتحان برای به فعلیت رساندن استعدادهاست تا حاجت بر همه تمام شود و جایی برای شبهه و ابهام برای خود شخص و برای دیگران باقی نماند. امتحان‌های خداوند هم این چنین است. اگر بنا باشد که خداوند بدون آزمون، عده‌ای را به بهشت ببرد و عده‌ای را به جهنم ببرد در بین مردم شبهاتی پیش می‌آید که چرا خداوند فلانی را به بهشت برد و چرا...؟! «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»؛ (۱۱) «آیا شما گمان می‌کنید که (بدون رنج) وارد بهشت می‌شوید و آن‌حالاتی که برای پیشینیان شما بوده برای شما پیش نمی‌آید؟ سختی‌ها و صدمه‌ها به آن‌ها رسید و تکان‌ها خوردند، تا این که پیامبر و کسانی که همراهش بوده‌اند (از خداوند یاری خواستند و از روی ناراحتی) چنین گفتند: پس یاری خداوند کی خواهد آمد؟ توجه کنید که یاری خداوند نزدیک است». و گرنه خداوند متعال که احتیاج ندارد. لذا خداوند قدرت نمایی‌هایی در طول تاریخ داشته است تا این مطلب ثابت شود. در قضیه طوفان نوح علیه السلام دست بشر چه کاره بود؟ حتی یاران نوح علیه السلام و کسانی که به حضرت نوح ایمان آورده بودند، در مقابل این همه کفار و مشرکین کاری از دستشان ساخته نبود. فرزند نوح گفت: «سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ»؛ (۱۲) «به زودی به کوهی پناه می‌برم که مرا از غرق شدن در) آب حفظ کند. پدرش گفت: امروز هیچ نگهدارنده‌ای در برابر فرمان خداوند نیست مگر آن کس را که او رحم فرموده (و حفظ نموده) است». یعنی بر فرض اگر مشرکین کشتی‌ای بهتر از کشتی نوح می‌ساختند باز غرق می‌شدند. اگر فرضاً پسر نوح پرنده می‌شد و به آسمان می‌رفت باز طوفان او را در خود فرو می‌برد. یا در قضیه حضرت هود علیه السلام خداوند می‌فرماید: «سَيَخْرُهَا عَلَيْهِمْ سَيْحٌ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةٌ أَيَّامٌ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صِرَعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٌ * فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ»؛ (۱۳) «خداوند هفت شب و هشت روز باد صرصر تند ویرانگر را بر قوم عاد فرستاد. آن‌ها مانند تنه‌های پوسیده درخت خرما بر زمین افتاده بودند* آیا بقایایی از آن‌ها می‌بینی؟!» و یا قوم لوط و سایر اقوامی که مورد عذاب الهی قرار گرفتند، پس اگر مشیت خداوند بر چیزی تعلق بگیرد، می‌تواند تمام مخالفین را از بین ببرد همان‌طور که خداوند در آیاتی، به این امر اشاره بلکه تصریح می‌نماید. پس اگر می‌فرماید: خدا را یاری کنید از یک جهت به خاطر امتحان است جهت و دیگر به سبب به فعلیت رسیدن استعدادهاست. و اگر می‌فرماید امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» را یاری کنید، نه به این معناست که خداوند احتیاج به یاری شما دارد و نه این که حتی امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» نیاز به یاری شما دارد، بلکه خود امام زمان می‌فرماید که نیاز به یاری ما ندارد. و اگر ما را به یاری دعوت می‌کند از روی احتیاج نیست. اگر امام به مأوم خود نیاز داشته باشد امام نیست. امام کسی است که هیچ نیازی به غیر خودش نداشته باشد. بله برای امتحان دیگران وظیفه دارند تا امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» را یاری نمایند. اگر امام بخواهد می‌تواند یک تنه مخالفین را از بین ببرد. روایت در این مورد بسیار است ولی روایتی از خود صاحب الزمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» در توقیع شریفشان ذکر می‌کنیم. در زمان غیبت صغرای امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» بین ابی غانم قزوینی و جماعت شیعه درباره امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» اختلاف پیدا شد. ابن ابی غانم مخالف بود و می‌گفت: امام حسن عسکری علیه السلام اولادی نداشت... این مطلب را توسط نواب خاص به امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» نوشتند. امام علیه السلام در جواب مرقوم فرمودند: «عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَوَهَبَ لَنَا وَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَنَقِّلِ إِنَّهُ أَنْهَى إِلَيَّ أَرْثِيَابُ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَمَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشَّكِّ وَالْحَيْرَةِ فِي وُلائِهِ أَمْرِهِ فَعَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا وَسَأَوْنَا فِيكُمْ لَأَفِينَا لَأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا وَنَحْنُ صَيَانِعُ رَبَّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا»؛ (۱۴) «خداوند ما و شما را از فتنه‌ها برکنار دارد، به ما و شما روح یقین عنایت فرماید. ما و شما را از بدی عاقبت در پناه خودش حفظ کند. به من خبر رسیده که جماعتی از شما در امر دین به تردید افتاده و شک و

سرگردانی در مورد ولی امرشان پیش آمده است. این امر ما را اندوهگین ساخت به خاطر شما نه به خاطر ما و از جهت شما ناراحت شدیم نه برای خودمان چون خدا با ماست و با وجود او ما نیازی به غیر او نداریم. حق با ماست لذا هرگز یاری نکردن دیگران، ما را به وحشت نمی اندازد و ما ساخته شده پروردگاران هستیم و آفریدگان، ساخته شده (به خاطر) مایند». پس امام به من و شما نیازی ندارد همان طور که انبیای گذشته نیازی به مردم نداشتند و خداوند نصرت و یاری خود را به پیامبرانش در زمان‌های مختلف نشان داد. دشمنان دین، ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند ولی خداوند فرمود: «یا نَارُ کُونِي بَرْدًا وَسَيِّئًا مَاءً عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ» (۱۵) پس احتیاج به غیر خدا ندارد لذا جبرئیل آمد و گفت: کاری داری؟ فرمود: «أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا!» (۱۶) «به تو که جبرئیل هستی احتیاج ندارم». این همان حالت امام حسین علیه السلام است. «يَا وَارثُ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ»، ابراهیم خلیل الله وارثش حسین علیه السلام است. یکی از جاهای وارث بودن او آن وقتی است که در گودال افتاده است. راوی می گوید: «فَوَاللّٰهِ مَا رَأَيْتُ قَطُّ قَتِيلًا مُّضْمَخًا بِدَمِهِ أَحْسَنَ مِنْهُ وَلَا أَوْتَرَ وَجْهًا!» (۱۷) به خدا قسم هرگز کشته‌ای به خون آغشته ندیدم که از او زیباتر و نورانی‌تر باشد». چهره امام حسین علیه السلام خندان و متبسم بود. چهره مبارک حضرت درهم نبود و حالت غصه و غم نداشت و اگر گاهی حضرت علیه السلام مصیبت را اظهار می کرد از روی مصالحی بود.

پاسخ امام علیه السلام به فرشتگان و جنیان

امام حسین علیه السلام تمام توجه و تکیه گاهش به خداست. اگر می خواست با آن تصرف ولایی، می توانست همه دشمنانش را نابود کند. ملائکه هنگام حرکت امام از مدینه یا مکه نزد او آمدند در حالی که اسلحه در دست داشتند و بر شتران بهشتی سوار بودند. سلام کردند و گفتند: ای حجت خدا بر مردم! خداوند بارها جدّ تو را به وسیله ما یاری کرد و اینک ما را به مدد تو فرستاده است. حضرت فرمود: وعده من و شما گودال قتلگاه و بقعه‌ای که در آن شهید می شوم و آن کربلاست. هرگاه به آنجا رسیدم نزد من آید... و نیز دسته‌هایی از جنیان مسلمان نزد آن حضرت آمدند و عرضه داشتند: ای سرور ما! ما شیعیان تو هستیم، اگر به ما فرمان دهی که تمامی دشمنانت را نابود سازیم همین جا که ایستاده‌ای تو را آسوده نمایم. امام حسین علیه السلام برای آنان دعا کرد و ضمن سخنانی فرمود: «إِذَا قَمْتُ بِمَكَانِي فَمَاذَا يَبْتَلِي هَذَا الْخَلْقَ الْمَتَعُوسَ؟ وَبِمَاذَا يَخْتَبِرُونَ؟ وَ مِنْ ذَا يَكُونُ سَاكِنَ حَفْرَتِي بِكَرْبَلَاءَ؟» (۱۸) اگر من سر جای خویش بایستم، پس این مردم نگون بخت از چه طریق امتحان شوند و با چه وسیله آزمون گردند و چه کسی به جای من در گودال قتلگاهم قرار خواهد گرفت؟» بقعه من کعبه اهل دل است هر گروه شیعیان را معقل است گر بمانم من بجای خویشتن پس که مدفون گردد اندر قبر من تا پناه خیل زوّاران شود شافع جرم گنهکاران شود امتحان مردم برگشته خو کی شود گر من گریزم از عدو موعده من با شما در کربلاست روز عاشورا که روز ابتلاست (۱۹)

معنای نصرت

اشاره

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ... خداوندا مرا از یاران او (قرار ده) نصرت در لغت به معنای یاری کردن در مقابل دشمن است. و به کسی که انسان را در مقابل دشمنان یاری نماید ناصر می گویند. اما اگر بدون در نظر گرفتن دشمن و به طور کلی شخص دیگری را یاری کند - خواه در جنگ یا غیر جنگ - به چنین کسی عَوْن می گویند که جمع آن اعوان است. پس عنوان عون، نسبت به ناصر عنوان عامی است. امام حسین علیه السلام با جمله: «هل من ناصر ینصرنا؟» (۲۰) آیا کسی هست که ما را (در مقابل دشمن) یاری دهد؟» به طور عموم ناصر می طلبد. عده‌ای را نیز به طور خاص به یاری خویش فرا خواند که چند تن از آنان به یاری

آن حضرت شتافتند و به فیض شهادت نایل شدند و برخی - همچون عبیدالله بن حرّ جعفی - خود را از سعادت محروم ساختند و امام را همراهی نکردند. عبیدالله بن حرّ جعفی‌ها زیادند. امام حسین علیه السلام الآن هم استغاثه‌اش بلند است. ما هم باید در راه او فداکاری کنیم. دشمنان امام زمان «عجل الله فرجه» دشمنان امام حسین، دشمنان پیغمبر و نیز دشمنان اسلام و دشمنان قرآن هم هستند. در مقابل این‌ها هر کاری که ممکن باشد و وظیفه باشد نباید کوتاهی نمود. و باید امام حسین علیه السلام و امام زمان «عجل الله فرجه» را یاری نماییم. شخص مؤمن و مسلمان باید آرزوی قلبی او این باشد که در شمار انصار و یاران امام زمان «عجل الله فرجه» باشد و در این راه تلاش و کوشش نماید. البته در هر زمان به مقتضای آن زمان و شرایط نصرت و یاری فرق می‌کند. قبل از این که بدانیم که چگونه باید امام زمان «عجل الله فرجه» را یاری کنیم و وظیفه ما نسبت به آن حضرت چیست و نحوه یاری آن حضرت چگونه است لازم است به دو نکته اشاره شود.

نکته اول: فرق انصار با اصحاب

فرق بین انصار و اصحاب چیست؟ اصحاب جمع صاحب است. صاحب کسی است که با دیگری معاشرت داشته و همراه و هم‌نشین او باشد. بدون معاشرت و هم صحبت شدن، صاحب و صحابی معنی ندارد. در خصوص صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که صحابی به چه کسی گفته می‌شود. تعابیر مختلفی است تعریف مشهور این است: صحابی کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در حال مسلمانی ملاقات کرده و با حال مسلمانی از دنیا رفته و در این بین ارتدادی برای او حاصل نشده باشد. بنابراین اگر کسی که در حال کفر، پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات نموده باشد و یا این که پس از اسلام آوردن مرتد گشته و یا این که کسی مسلمان شده ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مشاهده نکرده و با آن حضرت مصاحبت نداشته - مانند اویس قرنی که مسلمان بود و در زمان حضرت رسول بود و پیامبر صلی الله علیه و آله شأن و مقام او را ستودند، ولی پیامبر را ندید - این افراد جزء صحابه پیامبر به شمار نمی‌آیند. اما اصحاب ائمه علیهم السلام کسانی هستند که با ائمه مدّتی همراه بوده‌اند و از ایشان احکام و معارف اخذ نموده‌اند. خواه مدت دیدار کوتاه باشد یا طولانی... به چنین افرادی صحابی گفته می‌شود خواه امام را یاری کند یا امام را یاری ننماید لذا عده‌ای جزء اصحاب امام حسین علیه السلام بوده‌اند ولی جزء انصار نبوده‌اند. چون در کربلا به کمک امام علیه السلام نیامدند. حال به هر دلیل که نیامده باشد. ممکن است قبل از کربلا هم از دنیا رفته باشد و یا به دلیل دیگر به کربلا نیامد؛ مانند سلیمان بن صرد که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و جزء کسانی بود که به امام علیه السلام نامه نوشت ولی هنگامی که حضرت آمد در رفتن به کربلا کوتاهی کرد و بعد پشیمان شد و قیام توابین را سرپرستی نمود. پس عده‌ای از اصحاب امام بوده‌اند ولی جزء انصار نبودند. البته نسبت به امام زمان «عجل الله فرجه» مسأله فرق می‌کند. یعنی اصحاب امام زمان «عجل الله فرجه» کسانی هستند که یاری کننده حضرت هم هستند و در احادیث، تعداد اصحاب خاص آن حضرت سیصد و سیزده نفر یاد شده و خصوصیات آنان بیان گردیده است. (۲۱) بنابراین اصحاب امام زمان «عجل الله فرجه» نسبت به اصحاب سایر امامان این تفاوت را دارند. لذا در زیارت نامه امام حسین علیه السلام عنوان اصحاب را نمی‌بینیم. می‌گوییم: «السلام علیکم یا انصار دین الله، السلام علیکم یا انصار رسول الله، السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین، السلام علیکم یا انصار...».

نکته دوم: انصار امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»

انصار امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»

ما در طبقه‌بندی انصار امام زمان «عجل الله فرجه» در چه طبقه‌ای هستیم؟

اول: نخستین ناصر امام زمان علیه السلام خود خداوند است

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»؛ (۲۲) «یاری جز خداوند شکست‌ناپذیر حکیم نیست». و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۲۳) «پیروزی جز از خداوند نیست. همانا خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است». پس نصرت اولیه و کمک اصلی از سوی خداوند است که بدون کمک او هیچ تلاشی به نتیجه نخواهد رسید. لذا یکی از القاب شریفه آن حضرت علیه السلام منصور است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ (۲۴) «و هر آن که مظلوم کشته شود، البته ما برای ولی او تسلط و حکومت قرار داده‌ایم. پس در کشتن اسراف نکند که او یاری شده است». منصور در این آیه، امام زمان «عجل الله فرجه» است. (۲۵) در دعای ندبه هم این لقب یاد شده: «أَيُّنَ الْمَنْصُورُ عَلَيَّ مَنْ أَعْتَدَى عَلَيْهِ وَأَفْتَرَى بِنَابِرَيْنِ نَاصِرٍ أَوْ خِدَاسٍ وَ أَوْ مَنْصُورٍ وَ يَارِي شَدِيدٍ وَ پَرُوزِ اسْتِ».

دوم: در درجه بعدی، انصار امام زمان علیه السلام ملائکه هستند

امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین کسی که با حضرت قائم بیعت می‌کند جبرئیل است، او به صورت پرنده‌ای سفید رنگ فرود می‌آید و با آن حضرت بیعت می‌نماید. آن‌گاه یک پای بر بیت الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس می‌نهد. سپس با فصاحت و صدای رسایی که مردمان بشنوند فریاد می‌زند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛ (۲۶) «امر الهی آمد، پس در آن شتاب مکنید». و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: سی هزار و سیصد و سیزده فرشته بر او (امام قائم «عجل الله فرجه») فرود می‌آیند. ابان بن تغلب پرسید: تمام این فرشتگان؟ فرمود: آری، فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند و فرشتگانی که با ابراهیم بودند هنگامی که به آتش افکنده شد و آن‌هایی که با موسی بودند هنگامی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آن‌هایی که با عیسی بودند هنگامی که خداوند وی را به سوی خود بالا برد و چهار هزار فرشته نشاننداری که با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و هزار فرشته‌ای که پی در پی فرود می‌آمدند و سیصد و سیزده فرشته‌ای که در بدر بودند و چهار هزار ملائکه که فرود آمدند تا به همراه حسین بن علی علیهما السلام با دشمنان نبرد کنند ولی به آن‌ها اجازه داده نشد، آن‌ها کنار قبر آن حضرت پریشان و غبارآلود و گریان هستند تا روز قیامت، رئیس آنان فرشته‌ای است که منصور خوانده می‌شود، هیچ کس آن حضرت را زیارت نکند مگر این که این‌ها به استقبال او می‌روند و یا هنگام وداع، او را مشایعت می‌کنند و هیچ بیماری نیست مگر این که به عیادتش می‌روند و هیچ کس از دنیا نرود مگر آن که بر بدنش نماز می‌گزارند و پس از مرگ برای او طلب مغفرت می‌کنند و همه این‌ها در زمین منتظر قیام قائم «عجل الله فرجه» هستند تا هنگام ظهورش فرا رسد. (۲۷)

سوم: جئیانی که از مؤمنین هستند

چنان که در حدیث مفضل جعفری از امام صادق علیه السلام آمده است: اولین کسی که دست آن حضرت (امام قائم علیه السلام) را می‌بوسد جبرئیل علیه السلام است، سپس با آن حضرت بیعت می‌کند و نیز سایر فرشتگان و نجبای جن، آن‌گاه نقیبان با وی بیعت خواهند نمود. پس نخستین کسانی که دست آن جناب را می‌بوسند، فرشتگان، آن‌گاه جئیانی، آن‌گاه نقیبان هستند و می‌گویند: شنیدیم و اطاعت می‌کنیم... فضل پرسید: سرورم! آیا فرشتگان و جئیانی برای بشر آشکار خواهند شد؟ فرمود: آری، به خدا سوگند ای مفضل! و با آنان سخن خواهند گفت همان‌گونه که شخص با نزدیکان و خانواده خود گفت و گو می‌کند. مفضل گفت: سرورم! آن‌ها (همه جا) همراه حضرت قائم علیه السلام حرکت می‌کنند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آری، به خدا سوگند ای مفضل! آن‌ها در زمین هجرت، بین کوفه و نجف فرود می‌آیند (و منزل می‌گیرند) و شمار یارانش در آن هنگام چهل و شش هزار از

فرشتگان و شش هزار از جنیان خواهد بود. و در روایت دیگر فرمود: و به همان تعداد چهل و شش هزار از جنیان خواهد بود که خداوند به وسیله آنان حضرتش را پیروز می‌سازد و به دست‌های آن جناب فتح و ظفر پدید می‌آورد. (۲۸)

چهارم: رعب و وحشت در دل دشمنان

خداوند متعال بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با افکندن وحشت و هراس در دل دشمنانش یاری کرد و او را بر مشرکین و یهود پیروز ساخت که چهار مورد آن در قرآن کریم یاد شده است: ۱ - «سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ»؛ (۲۹) «به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند وحشت و هراس می‌افکنیم». ۲ - «سَأَلِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ»؛ (۳۰) «به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند وحشت و بیم افکنم». ۳ - «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»؛ (۳۱) «و در دل آنان (گروه مشرکین) وحشت افکند». ۴ - «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»؛ (۳۲) «و در دل ایشان وحشت افکند». و در حدیثی از ابن عباس آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن بیان ویژگی‌های خود فرمودند: «وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ فَهُوَ يَسِيرُ أَمَامِي مَسِيرَةَ شَهْرٍ»؛ (۳۳) «و به وسیله رعب (و وحشت در دل دشمنان) یاری شدم که به مسافت یک ماه پیشاپیش من روانه است». راجع به حضرت ولی عصر «عجل الله فرجه» نیز روایاتی آمده که خداوند آن حضرت را با ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنانش یاری خواهد کرد، از جمله: ابوحزمه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرگاه قائم آل محمد: خروج نماید به طور حتم خداوند او را به وسیله فرشتگان مسومین و مردفین و منزلین و کرویین (فرشتگان مخصوص) یاری خواهد کرد، جبرائیل پیش روی، میکائیل از سمت راست و اسرافیل از سمت چپ او خواهند بود و رعب و وحشت تا مسافت یک ماه راه از پیش روی و پشت سر و از سمت راست و سمت چپ آن حضرت قرار خواهد داشت... (۳۴) گفتنی است که اوصاف سه گانه: مسومین و مردفین و منزلین در سه آیه یاد شده‌اند: ۱ - مسومین (فرشتگان نشاندار) در سوره آل عمران، آیه ۱۲۵. ۲ - مردفین (فرشتگانی که پیاپی و در صف‌های منظم برای یاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمدند) در سوره انفال، آیه ۹. ۳ - منزلین (فرشتگانی که برای کمک به مسلمانان در میدان جنگ نازل شدند) در سوره آل عمران، آیه ۱۲۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که وقتی امام عصر «عجل الله فرجه» بیاخیزد و پرچم خود را بگشاید بیم و هراس از آن به مسافت و فاصله یک ماه از جلو و یک ماه از عقب و یک ماه از سمت راست و یک ماه از سمت چپ (دل دشمنان) را فرا می‌گیرد. (۳۵)

پنجم: خداوند امام زمان علیه السلام را با معجزات یاری می‌نماید

چنان که در حدیث شریفی آمده است: «يُنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ» (۳۶) امام زمان «عجل الله فرجه» هم مانند بقیه امامان و پیامبران معجزه دارد. معجزه یعنی کاری که دیگران از انجام آن عاجز باشند. آن حضرت علیه السلام همان اول که ظاهر می‌شوند معجزاتی از خود نشان می‌دهند تا حجت تمام شود. از جمله از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هنگامی که در کنار خانه کعبه می‌ایستند، آن حضرت علیه السلام ید بیضاء موسی را ظاهر می‌نمایند، (۳۷) همان ید بیضاء که خداوند می‌فرماید: «اسْمُكَ يَدُكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءِ آيَةٍ أُخْرَى»؛ (۳۸) «دست خویش را به گریبان داخل ساز که سفید و درخشان، بدون عیب و نقص بر می‌آید». آیت اول حضرت موسی علیه السلام عصا بود و آیت دوم آن حضرت علیه السلام این بود که دست در گریبان خود می‌کرد وقتی بیرون می‌آورد و بالا می‌برد درخشندگی خاصی داشت یعنی نوری از آن ساطع می‌شد که فضای بسیار زیادی را روشن می‌نمود. «من غیر سوء؛ بدون این که نقصانی در آن دست باشد». و این معجزه است چرا که کسی نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد و این درخشندگی را در دست خود ایجاد کند. امام زمان «عجل الله فرجه» نیز هنگامی که ظاهر می‌گردد، این معجزه را نشان می‌دهند. و معجزه‌های دیگر که این‌ها از وسایل نصرت و یاری آن حضرت هستند و از این طریق دشمن را وادار به تسلیم می‌نماید و یا معجزاتی

که سبب از بین رفتن دشمنان می‌شود. خداوند متعال بر سپاه سفیانی عذاب نازل می‌نماید و این‌ها در زمین فرو می‌روند که چند هزار نفرند و بدون این که امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» با آن‌ها جنگ نماید نابود می‌شوند. و این از جمله نشانه‌های حتمی ظهور امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» است. یا این که باد را خداوند تحت اختیار امام علیه السلام قرار می‌دهد و همان طوفان حضرت نوح علیه السلام در اختیار آن حضرت است. تمام موجودات زمین و آسمان تحت اختیار و تسلط امام خواهند بود. ماه، خورشید، حیوانات و ... همان گونه که بعضی از انبیاء سلف توسط بعضی از حیوانات بر دشمن خود غلبه می‌نمودند مانند حضرت سلیمان که هُدُود برای او خبر آورد و بعد پیام حضرت سلیمان را بر ملکه سبا برد و بعد تهدید حضرت سلیمان علیه السلام را ابلاغ نمود. خداوند فرماید: «وَحِثِّرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛ (۳۹) «سپاهیان سلیمان از جنّ و انس و پرندگان نزد او جمع شدند در حالی که به سبب کثرت به هم فشرده بودند». قرآن، طیر (پرندگان) را در شمار سپاهیان حضرت سلیمان علیه السلام ذکر می‌کند. یکی از سپاهیان امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» نیز پرندگان هستند. همان گونه که خداوند متعال ابابیل را فرستاد و اصحاب فیل، فیل‌ها و سواران آن‌ها را نابود نمود «كَعَصِفٍ مَأْكُولٍ»؛ (۴۰) «مانند کاه و ینجه خورده شده گردیدند». فیل با آن عظمت جثه مانند کاه جویده شده بود. همان خداوند قادر است که امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» را توسط ابابیل و پرندگان کوچک بر دشمنانش غلبه دهد.

ششم: از انصار امام زمان علیه السلام مؤمنین هستند

ان شاء الله این دعای ما مورد استجابت قرار گیرد. «اللَّهُمَّ اجعلنا من انصاره واعوانه و ...». عرض کردیم که انصار و اصحاب با هم تفاوت دارند. امّا نسبت به امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» اصحاب امام زمان جزء انصار آن حضرت نیز هستند ولی همه انصار آن حضرت علیه السلام از اصحاب نیستند. امام جواد علیه السلام فرمودند: «فإذا اجتمعت له هذه العدة من أهل الإخلاص اظهر امره، فإذا أكمل له العقد - وهو عشرة آلاف رجل - خرج بإذن الله عزّوجلّ»؛ (۴۱) و هنگامی که این گروه (سیصد و سیزده نفر) از اهل اخلاص برایش جمع شوند امر خویش را آشکار خواهد ساخت و چون عقد (یعنی ده هزار مرد) برایش تکمیل گردد به اذن خداوند خروج خواهد کرد». ما از خداوند درخواست می‌کنیم که ما را از انصار آن حضرت قرار دهد. چند روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که اگر کسی کار خیری را از روی جدّ و حقیقت تمنا انجام دهد، خداوند همان ثواب را به او عنایت می‌نماید. (۴۲) امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود فرمودند: در جایگاه خویش پایدار باشید و بر سختی‌ها و گرفتاری‌ها شکیبایی کنید، و دست‌ها و شمشیرهای خود را در پی هوس‌های زبانتان به کار نیندید (و سَبْکِ سَری و تهور نداشته باشید) و به آنچه خداوند تکلیف نکرده مشتایید؛ زیرا که هر یک از شما در حالی که حق پروردگار و حق رسول و حق اهل بیت او را شناخته باشد و بر خوابگاه خود بمیرد شهید مرده است و مزد او با خداست و سزاوار پاداش کردار نیکی است که در اندیشه داشته و این اندیشه جای شمشیر کشیدنش را باقی نمی‌گذارد زیرا که هر کاری وقتی معین دارد. (۴۳) فیض بن المختار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: هر یک از شما در حالی بمیرد که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه‌اش بوده باشد. آن‌گاه چند لحظه درنگ کردند. سپس فرمودند: نه، بلکه همچون کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله شهید شده باشد. (۴۴) واقعاً کسی که منتظر باشد تا امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» ظهور کند و از یاران آقا باشد اگر در رختخواب هم بمیرد مانند کسی است که در رکاب پیغمبر به خون خود آغشته شده است. بعضی را ثواب شهدای بدر می‌دهند و بعضی را، چند برابر شهدا ثواب می‌دهند. این‌ها بستگی به نیت و اخلاص و تمناً و راستگویی انسان دارد. عمار سابطی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای عمار! همانا به خدا سوگند هیچ یک از شما بر این حالی که هستید نمیرد مگر آن که نزد خداوند از بسیاری از کشته شدگان در بدر و احد برتر باشد، پس شما را مژده باد. (۴۵) بنابراین ما که از خدا می‌خواهیم از انصار

امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» باشیم، نباید بگوییم: کو تا امام زمان علیه السلام ظهور کند؛ زیرا این حرف باطل است. بعضی‌ها هم می‌گویند ما از خودمان مأیوس هستیم. این هم درست نیست. وقتی که این دعا را می‌خواند باید خود را در این مرحله قرار دهد که اگر امام الآن ظاهر شد من در شمار انصار حضرتش قرار بگیرم. نکته دیگر درباره انصار امام زمان علیه السلام این است که لازم نیست که انصار آن حضرت علیه السلام در زمان ظهور ایشان باشد. الآن هم امام زمان علیه السلام دشمن دارد و اکنون هم می‌توان امام را یاری نمود و لازم نیست که جبهه جنگی باشد. انسان با گفتار محکم و متقن با مخالفین آن حضرت بحث کند. البته هم با گفتار و هم با اعمال نیک، دیگران را به سمت دین و مذهب حقّه راهنمایی نماید. پس اولاً باید امام زمان علیه السلام را درست بشناسد و ثانیاً نباید به گونه‌ای باشد که به نام امام زمان علیه السلام موجبات نارضایتی آن حضرت را به بار آورد، و به جای این که با اعمال خود مردم را به امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» یا به مذهب حقّه دعوت کند آن‌ها را از دین و امام زمان علیه السلام طرد نماید. نصرت امام زمان علیه السلام شرایط دارد. وقتی می‌گوییم: «اجعلنی من انصاره» نصرت امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» باید در تمام اعمال ما، گفتار ما، و کردار ما نمایان باشد. نباید تعمد در گناه داشته باشیم. مبدا رفتار ما سبب ناراحتی آن حضرت شود. مبدا لباسی بپوشیم که ایشان نمی‌پسندد، نکند سخنی بگوییم که مایه رنج امام گردد، طوری نباشد که روش ما درست بر خلاف روش و رفتار امام زمانمان باشد ولی به زبان بگوییم: خدایا! ما را از یاران او قرار ده! انصار امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» طبقات مختلف هستند. گاهی اوقات نصرت به غیر مؤمن هم ممکن است انجام شود. یعنی فردی مؤمن نباشد ولی امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» را یاری کند. خداوند دینش را گاهی اوقات به وسیله افرادی که مؤمن نیستند یاری می‌نماید. پس خوب است وقتی درخواست یاری امام زمان علیه السلام را می‌کنیم با قید ایمان و التفات و توجه باشد تا ان شاء الله جزء مؤمنین باشیم و امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فرجه» را یاری کنیم نه این که خدای ناکرده ما مؤمن نباشیم ولی در مسیر یاری امام زمان علیه السلام قرار بگیریم یاری کردن امام علیه السلام خودش عنوانی دارد. ولی خوب - بلکه لازم - است که با حالت ایمان و اعتقاد همراه باشد. و به طور کامل حضرت را به آن مقداری که از دستش بر می‌آید نصرت و یاری کند.

گونه‌های یاری امام

و نصرت دارای مراحل است: ۱ - مرحله اول یاری اعتقاد و اندیشه و فکر و تصمیم است، که شخص خودش را در مسیر امام زمان علیه السلام قرار بدهد. از ناحیه فکری، اعتقادی امام علیه السلام را یاری و نصرت نماید. با تقویت نیروی اعتقادی خویش به آن حجت خداوند وابستگی کامل داشته باشد و شیعه خالص گردد. ۲ - مرحله دیگر نصرت و یاری امام علیه السلام به وسیله زبان است، یعنی انسان زبانش را در راه امام زمان علیه السلام و کمک به ایشان و علیه دشمن ایشان به کار بگیرد. در روایات بسیار این معنا را می‌بینیم که افرادی با زبان، یاور پیغمبر و ائمه‌علیهم السلام بوده‌اند اما مرحله دیگر را نداشتند و فقط در یک مقطع خاص این فضیلت را داشتند. از معجزه‌های اولیای دین این است که وقتی در حق این افراد دعا می‌کردند به این نکته اشاره داشتند. حسان بن ثابت از جمله شعرایی بود که از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله به شمار آمده است و در مناسبت‌های مختلف شعر می‌سرود ولی آدم بزدل و ترسوئی بودن لذا در جنگ خندق (احزاب) از ترس میان زنان پنهان شده بود. زنان متوجه شدند که یک یهودی از پشت سر شبیخون زد. به حسان گفتند: بلند شو و یهودی را به قتل برسان. اما او از ترس حاضر نشد. سرانجام یکی از زنان بلند شد و یهودی را کشت. حسان حتی بلند نشد لاشه یهودی را بیرون ببرد. (۴۶) لذا او مردی بزمی بود و رزمی نبود. در غدیر خم هنگامی که پیغمبر صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت خویش نصب فرمود. حسان به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: اجازه می‌دهید شعر بگوییم؟ پیامبر اجازه فرمود و او این شعر را سرود: يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ بِحُمْ وَأَسْمِعْ بِالرَّسُولِ مُنَادِيًا (۴۷) بعد از سرودن این شعر پیامبر صلی الله علیه و آله به حسان فرمود: «لاتزال يا حسان مؤيداً بروح القدس ما نصرتنا

بلسانک؛ تا وقتی که با زیانت ما را یاری می‌کنی روح القدس یاور تو باشد». زبان در کمک به اولیای دین خیلی مهم است. هنگامی که هشام بن الحکم در مجلس هارون با مخالفین درباره امامت مناظره و بحث کرد هارون در اتاق مجاور بود و هشام خبر نداشت. هشام از شاگردان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود. بعد از شکست دادن مخالفین و اثبات امامت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام هارون عصبانی شد و گفت: عجب، این زنده است و من حکومت می‌کنم به خدا قسم زبان هشام از صد هزار شمشیرزن برای حکومت من خطرناک‌تر است. (۴۸) هشام در سنین جوانی آن‌چنان سخن می‌گفت که مردم در مقابلش تسلیم می‌شدند. عمر بن عبید را در بصره با یک بیان ساده آن‌چنان در هم پیچید، که مجبور به تسلیم شد. انسان در مقابل فتنه‌های دشمنان باید امام علیه السلام را یاری نماید. البته ناگفته نماند که این نحو یاری برای کسانی است که از عهده آن برآیند و گرنه چه بسا انسان در اثر جهل به جای یاری به دین ضربه بزند. به همین سبب ائمه‌علیهم السلام به هر کسی اجازه نمی‌دادند با دشمنان بحث کند. ابوجعفر مؤمن الطاق یکی از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام بود. ایشان در بحث و مناظره مهارت عجیبی داشتند، ابوخالد کابلی می‌گوید: ابوجعفر مؤمن الطاق را دیدم که در روضه پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته است و در حالی که اهل مدینه (بر اثر ازدحام و کشمکش) جامه او را پاره کرده بودند باز هم پیوسته به سؤال‌های آنان پاسخ می‌داد. به او نزدیک شدم و گفتم: امام صادق علیه السلام ما را از کلام (و بحث و مناظره) نهی فرموده است. به من گفت: آیا امام به تو چنین دستوری داده است که این مطلب را به من بگویی؟ گفتم: به خدا سوگند خیر، غیر ولی به من دستور فرمود که با کسی بحث نکنم. مؤمن الطاق گفت: برو دستور آن حضرت را اطاعت کن. ابوخالد گوید: سپس به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، و گفت و گویم با مؤمن الطاق را به عرض ایشان رساندم. امام علیه السلام لبخندی زد و فرمود: ای ابوخالد! البته مؤمن الطاق با مردم بحث می‌کند و پرواز می‌نماید، اما تو اگر بال‌هایت را ببرند دیگر پرواز نمی‌کنی. (۴۹) حضرت، مؤمن الطاق را تأیید می‌کردند. پس کسی که می‌خواهد بحث کند باید هم مطالعه جامع و هم حضور ذهن کاملی داشته باشد تا بتواند شبهات را فوری پاسخ بدهد. ۳ - مرحله دیگر یاری امام علیه السلام به وسیله مال است. گاهی در مقابل دشمنان و گاهی کمک به دوستان امام زمان علیه السلام که در واقع کمک به امام علیه السلام است؛ مانند جوانی که نیاز به ازدواج یا شغل دارد انسان او را از لحاظ فکری یا مالی کمک کند. در واقع این ثواب و فضیلت نصرت و یاری امام علیه السلام یا اعانت امام را خواهد برد. ۴ - نوع دیگر کمک به وسیله رفتار و سلوک است؛ یعنی شخص چنان روش و کرداری داشته باشد که مایه سرافرازی دوستان امام و شکست و خواری دشمنان دین گردد. بزرگ‌ترین دشمن امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ» شیطان است. باید به وسیله تقوا و پاکی و درستکاری به جنگ شیطان برویم و با کوشش و جدیت در امر عبادت او را زمین بزنیم. نماز اول وقت، خود برخورد و مبارزه با دشمنان امام زمان علیه السلام است. معاشرت صحیح با دیگران مانند: احترام به پدر و مادر و صلح و صلوات رحم و خوش‌زبانی و نیک‌خویی و امانتداری از گونه‌های یاری کردن امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ» است. ۵ - یکی دیگر از نحوهای یاری امام علیه السلام دعا نمودن برای حضرت است. به خصوص دعا برای تعجیل فرج ایشان. چون یکی از مهم‌ترین وسایل مؤثر در این عالم دعاست. برای نابودی دشمن و غلبه بر مخالفین و برای تقویت بنیه دین و اولیای دین دعا بهترین وسیله است؛ مانند صلوات فرستادن. صلوات هم ذکر است و هم دعا. «خدایا درود فرست بر پیامبر؛ یعنی وجود پیامبر صلی الله علیه و آله را، دین آن حضرت را، در عالم گسترش بیشتری بده». پس صلوات درخواست گسترش یافتن عظمت و جلال و شکوه و مقام این دین مقدس است. این همه ثواب برای صلوات از جهت آن است که این درخواست بهترین درخواست‌ها از خداوند است. مخصوصاً اگر با «وَعَجَلُ فَرَجِهِ» همراه باشد. این خودش یکی از اقسام نصرت و یاری امام زمان علیه السلام با زبان است ولی به سبب اهمیت آن جداگانه ذکر کرده‌اند. خود آن حضرت علیه السلام فرمودند: «وَأَكْثَرُوَا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛ (۵۰) برای تعجیل فرج من بسیار دعا کنید چرا که گشایش کار شما در همان است». این طور نباشد که انسان گاهی که یادش آمد دعا کند، بلکه باید در نماز و بعد از نماز و اوقات دیگر پیوسته دعا نماید. ۶ - اقسام دیگر نصرت و

یاری امام، ذکر فضایل و مناقب و مصائب ائمه علیهم السلام است. چون امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ» شبانه روز بر جدش حسین علیه السلام گریه می‌کند و اظهار همدردی با آن حضرت نوعی یاری نمودن است.

مددکار امام زمان علیه السلام باشیم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصِيَارِهِ وَأَعْوَانِهِ و... خداوند مرا از یاران و یاوران او قرار ده عون: یعنی کمک نمودن دیگری برای رسیدن به خواسته‌اش، در هر جهتی از جهات و به هر شکلی که باشد را عون و اعانه می‌گویند. نکته مهمی که در اینجا لازم است توجه داشته باشیم این که اعانت اصلی از خداست. لذا در سوره حمد - که در هر نمازی لازم است خوانده شود می‌گوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» «فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو استعانت می‌جوییم». پس اصل استعانت از خداست لذا ابزار استعانت را خداوند در اختیار ما قرار داده است و از ما خواسته که از آن‌ها مدد بجوییم، می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛ (۵۱) «به وسیله صبر و نماز استعانت بجوید». و فرموده‌اند که: مراد از صبر روزه است و بهترین مُعِين خداوند است. «إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمُعِينٌ؛ خداوند بهترین یار و مددکار انسان است» به خصوص نسبت به امام خودش. «إِنَّا لَنَنْصِرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛ (۵۲) «البته که ما فرستادگانمان و کسانی که ایمان آورده‌اند را در زندگانی دنیا و روز بپا خاستن شاهدان، یاری می‌کنیم». و بعضی آیات دیگر که این معنا در آن‌ها تاکید شده است. در درجه بعد کمک و یاری امام زمان علیه السلام به وسیله افرادی است که به امر خداوند می‌بایست نسبت به امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ» یاری و کمک برسانند. در آیات قرآن و در روایات تاکید شده است که مؤمنین یکدیگر را یاری و اعانت کنند. خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ (۵۳) «یکدیگر را در کار نیک و تقوی یاری نمایید». یعنی انسان در هر کار خیری باید مشارکت داشته باشد. اعم از این که کار بستگان او باشد یا غیر آن‌ها. پس کمک کردن در کار تقوی و فضیلت و نیکوکاری از سوی خداوند خواسته شده است. احادیث و روایات نیز در این زمینه بسیار است و آثار و ثواب فراوان در این رابطه ذکر شده است که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرْبَةً وَاحِدَةً فِي الدُّنْيَا وَاثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ كُرْبَةً عِنْدَ كُرْبَتِهِ الْعُظْمَى»؛ (۵۴) کسی که مؤمنی را کمک کند خداوند هفتاد و سه گرفتاری او را برطرف می‌سازد. یکی از آن‌ها را در دنیا و هفتاد و دو گرفتاری در آخرت». کمک اعم از کمک مالی، فکری و بدنی است. امام موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد به نماز ایستاده بودند، پیرمردی در کنار ایشان می‌خواست از جایش برخیزد، عصایش بر زمین بود، امام موسی بن جعفر علیه السلام در وسط نماز مستحبی خم شدند و به پیرمرد کمک نمودند و سپس به نماز خود ادامه دادند. (۵۵) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ لَهُ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَإِعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»؛ (۵۶) هر کسی که مؤمن مظلومی را یاری نماید، خداوند ثوابی به او عطا می‌کند که از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام افضل است». کسی که در مکه روزه بگیرد یک روز آن معادل یک سال روزه گرفتن در مکان‌های دیگر است. حال اگر یک سال روزه بگیرد اعتکاف هم بکند چطور؟! با این حال اعانت مؤمن ثوابش بیشتر خواهد بود. در روایتی دیگر از آن حضرت است: «وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ آخِيهِ»؛ (۵۷) مادامی که انسان برادر دینیش را یاری کند خداوند هم یار اوست». و نیز فرمودند: «فَمَا أَحْسَنَ مُؤْمِنٌ إِلَى مُؤْمِنٍ وَلَا أَعَانَهُ إِلَّا حَمَشَ وَجْهَهُ إِبْلِيسَ وَقَرَّحَ قَلْبَهُ»؛ (۵۸) هر مؤمنی که به مؤمن دیگر نیکی کند و او را یاری نماید جز این نیست که ابلیس در اثر این عمل خیر مؤمن، صورت می‌خراشد و قلبش مجروح می‌شود». در حدیثی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: مؤمن را بر گردن مؤمن دیگر هفتاد حق است. مُعَلِّي بن خنیس که از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام بود کسی است که به جرم هواداری آن حضرت او را کشتند. و امام صادق علیه السلام بر قاتل او نفرین نمودند. (۵۹) این شخص روزی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: یابن رسول الله! حقوقی که یک مؤمن بر مؤمن دیگر دارد بیان بفرماید. امام علیه السلام فرمود: «می‌ترسم که آن‌ها را رعایت نکنی. ولی معنی اصرار نمود.

امام علیه السلام فرمود: حال که اصرار می‌کنی هفت تا را برایت می‌گویم. سومین حقی را که شمردند این است: «أَنْ تُعِينَهُ بِنَفْسِكَ وَمَالِكَ وَلِسَانِكَ وَيَدِكَ وَرِجْلِكَ»؛ (۶۰) برادرت را با جان و مال و زبان و دست و پایت یاری نمایی». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ وَلَمَدًا أَعَانَ وَالْإِدْمَاءَ عَلَيَّ بَرِّهِ؛ خدواند رحمت کند اولادی را که پدر خود را کمک نماید بر نیکی و احسان؛ و خدواند رحمت کند پدری که بر فرزند خود به نیکی و احسان کمک نماید». این اعانت از سنخ امور معنوی است. یعنی پدر طوری رفتار نکند که اولاد به رویش برگردد یا او را ترک کند و یا به او توهین نماید. و نیز می‌فرمایند: «وَرَحِمَ اللَّهُ جَارًا أَعَانَ جَارَهُ عَلَيَّ بَرِّهِ؛ خدواند رحمت کند همسایه ای که همسایه اش را بر نیکی یاری نماید». «وَرَحِمَ اللَّهُ رَفِيقًا أَعَانَ رَفِيقَهُ عَلَيَّ بَرِّهِ»؛ (۶۱) خدواند رحمت کند بر آن دوستی که دوست خود را بر نیکی خودش یاری کند». امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «عَوْنُكَ الضَّعِيفِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ»؛ (۶۲) کمک کردن به شخص ناتوان از بهترین صدقات است». در ذهن ما این است که پولی به فقیر بدهیم. در حالی که صدقه مختص این نیست بلکه هر کار خوبی است که برای خدا انجام دهد. در این روایت شخص ناتوان مورد نظر است و در بعضی روایت آمده است که عون نسبت به غیر مؤمن هم ثواب دارد. امام صادق علیه السلام با یکی از اصحاب خود به نام «مصادف»، از مکه به مدینه می‌رفتند، ناگهان دیدند شخصی در زیر درختی خوابیده است. امام علیه السلام به هم سفر خود فرمود: بیا برویم نزدیک این مرد، مبادا بر اثر تشنگی افتاده باشد. وقتی که نزدیک آمدند دیدند آن شخص، مردی نصرانی است با موهای بلند! امام علیه السلام به او فرمودند: تشنه هستی؟ گفت: آری. امام علیه السلام به «مصادف» فرمود: پیاده شو و به او آب بده. همراه آن حضرت از اسب پایین آمده و به نصرانی آب داد سپس به حضرت رو نمود و عرضه داشت: شما به نصرانی هم کمک می‌کنید؟ امام علیه السلام فرمود: «نَعَمْ إِذَا كَانُوا بِمِثْلِ هَذِهِ الْحَالَةِ»؛ (۶۳) بله اگر در چنین حالی باشند». حتی فقها در رساله‌های عملیه نوشته‌اند که اگر در بیابان حیوانی تشنه است و مقدار کمی آب است که اگر به حیوان داده شود آب برای وضو نیست می‌گویند: تیمم کن و آب را به حیوان بده تا از تشنگی نمیرد. پس اعانت و کمک نسبت به مؤمنین و بلکه حتی غیر مسلمانان هم در امور زندگی عادی و مواهب الهی، وظیفه مؤمنین است تا چه برسد به امام زمان علیه السلام که یاری نمودن او از مهم‌ترین واجبات و از لوازم ایمان و اعتقاد است.

اقسام یاری به زبان

از مهم‌ترین شیوه‌های یاری و کمک به امام علیه السلام یاری نمودن او به وسیله زبان است و این خود چند گونه می‌باشد: ۱ - افشای نام و صفات و بیان شئون و مقامات و فضایل و کرامات آن حضرت «عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ» در جایی که تقیّه نباشد. ۲ - امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی واداشتن دیگران - به خصوص بستگان و دوستان و آشنایان - به انجام واجبات و هشدار و بازداشتن آنان از کارهای نامشروع و حرام. ۳ - دعوت و راهنمایی ناآگاهان و یادآوری به غافلان و بی‌خبران. ۴ - اهتمام به راستگویی و گفتار پسندیده و سخنان شایسته. ۵ - دفاع زبانی از حقوق امام علیه السلام و ردّ شبهات؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده که فرمودند: «مَنْ أَعَانَ لِسَانَهُ عَلَيَّ عَدُوًّا أَنْطَقَهُ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ يَوْمَ مَوْقِفِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (۶۴) هر کس ما را به وسیله زبان خود بر دشمنان یاری دهد، خدواند زبان او را در آن روز که در پیشگاهش قرار گیرد به دلیل و دفاع از خودش گویا سازد». ۶ - بیان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و ذکر مصائب آنان که انگیزه دفاع و مبارزه علیه ستمگران و دشمنان دین و انسانیّت را تقویت نماید. ۷ - دعا و نیایش به درگاه خدواند برای زودتر شدن فرج و گشایش و برپایی حکومت جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فدا و لازم است که دوستان با اخلاص امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ» زبان خود را از هر گونه ناهنجاری و سخن ناپسند از قبیل دروغ و غیبت و ناسزا و تمسخر و بیهوده‌گویی حفظ کنند. و امّا در مقام عمل و رفتار، مولای متقیان علی علیه السلام در نامه‌ای که به عثمان بن حنیف نوشتند چنین فرموده‌اند: «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَمِنْ

طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفْهِ وَسِدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبِيراً وَلَا آذْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرّاً وَلَا أَعِدَّدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طَمْرَأً؛ (۶۵) بدانید هر پیروی را امامی است که او را الگوی خویش قرار می‌دهد و از نور دانش او روشنی می‌یابد و بدانید که در حقیقت، امام شما از دنیای خویش دو جامه کهنه و از خوراکی به دو قرص نان (یکی برای روز و دیگری برای شب) بسنده نموده است. البته شما نمی‌توانید این گونه زندگی کنید ولی به وسیله پرهیزگاری و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری‌ام نمایید». این پیام امیرمؤمنان علیه السلام به همه دوستان و پیروان ائمه اطهار علیهم السلام است که در مقام عمل و رفتار چهار دستور فرموده‌اند: اول: پرهیزگاری؛ یعنی خویشتن داری از هر گونه گناه؛ به خصوص در معاملات و به دست آوردن ثروت از طریق حلال و هزینه کردن در راه حلال. دوم: تلاش، یعنی جدیت و پشتکار در انجام وظایف دینی و اهتمام به تقوا و نیکوکاری. سوم: عفت و پاکدامنی و خویشتن داری از هوس‌ها و شهوت‌های مادی. چهارم: استواری رفتار و پایداری در پیمودن شیوه‌های درستکاری.

جلوگیری از ناگواری‌ها

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ... وَالذَّابِينَ عَنْهُ خَدَاوندَا مَرَا از مدافعان او (قرار ده) یکی از اموری که در نصرت و یاری آن حضرت، در ادعیه و زیارات وارد شده عنوان «الذَّاب» می‌باشد که جمع آن ذابین است. ذَبَّ به معنی دفع و جلوگیری از اموری است که مایه ناگواری است و فرق آن با دفع این است که دفع در صورتی است که چیزی واقع شده باشد و انسان آن را براند ولی ذَبَّ، راندن و برطرف کردن ناگواری است که نزدیک آمده اما هنوز واقع نشده باشد. لذا به مگس، ذباب می‌گویند چون هنوز مگس روی فرد ننشسته آن را از خود می‌رانند. (۶۶) ذَبَّ از امام زمان علیه السلام؛ یعنی جلوگیری نمودن و دور ساختن ناگواری‌ها از آن حضرت علیه السلام. این کار از جمله لوازم ایمان است که از برادر ایمانی‌اش ناگواری‌ها را برطرف سازد. حتی در غیبت برادر دینی؛ مثلاً کسی که غیبت برادر دینی را می‌کند بر شنونده لازم است از غیبت برادر دینی جلوگیری نماید و مانع آن گردد. و ثواب آن بسیار است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره به یارِ باوفایش جناب ابوذر غفاری توصیه می‌فرماید: «يَا أَبَاذَرٍّ مَنْ كَانَ ذَبَّ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْغَيْبِ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ؛ (۶۷) ای اباذر! هر کس از برادر دینی‌اش، غیبت را دور سازد حقی است بر خدا که او را از آتش دوزخ نجات دهد». امیرمؤمنان علیه السلام به یاران خود هنگام جنگ چنین فرمود: هر کدام از شما که هنگام برخورد با دشمن در خود جرأت و پردلی احساس کند و در یکی از برادران (هم رزم) خویش بیم و عقب‌نشینی مشاهده نماید، باید که به سبب برتری و دلیری که خداوند به او عطا فرموده است، دشمن را از برادر خویش براند (و دور سازد) همان گونه که از خودش دفاع می‌نماید؛ زیرا که اگر خدا می‌خواست او را هم مانند وی قرار می‌داد. (۶۸) کسی که از مؤمن عادی غیبت را دفع کند از آتش جهنم ایمن خواهد بود حال اگر کسی از امام زمان علیه السلام غیبت را دفع کند چطور؟ زیرا که بسا از روی جهل و نادانی سخنان نادرست و باطلی راجع به آن حضرت می‌زنند که وظیفه شخص مؤمن آن است که سخنان باطل و ناگواری را از آن حضرت علیه السلام دور نماید. راندن ناگواری از وجود مقدس امام زمان علیه السلام انواع مختلف دارد:

نقش دعا در برطرف کردن ناگواری

یکی از اقسام جلوگیری و منع ناگواری از هر کسی دعا کردن است. چنان‌که از «بشار مکاری» روایت شده که گفت: در شهر کوفه به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که پیش روی آن حضرت طبقی از خرما می‌طبرزد بود و تناول می‌کرد، به من فرمود: ای بشار! نزدیک بیا و از این خرما میل کن من گفتم: خداوند گوارایت سازد و مرا فدای تو گرداند، بین راه حادثه‌ای دیدم که غیرتم را تحریک نموده و دلم را به درد آورده است. امام فرمود: تو را به حق من سوگند که نزدیک بیا و از این خرما

تناول کن! بشار گوید: جلو رفتم و از آن خرما خوردم. سپس فرمود: حکایت خود را باز گوی! عرض کردم: یکی از مأمورین را دیدم که بر سر بانویی می‌زد و او را به سوی زندان می‌برد، آن زن با صدای بلند می‌گفت: به خدا و رسول او پناه می‌برم! ولی هیچ کس به دادش نرسید. امام علیه السلام فرمود: چرا با او چنین رفتار می‌شد؟ گفتم: از مردم شنیدم که می‌گفتند: او زمین خورد و گفت: ای فاطمه! خداوند ظلم کنندگان بر تو را لعنت کند! بدین سبب او را دستگیر کردند و چنین رفتاری با او داشتند. امام علیه السلام از خرما خوردن دست کشید و آن قدر گریه کرد که دستمال و محاسن و سینه‌اش از اشک تر شد. آن گاه فرمود: ای بشار! برخیز به مسجد سهله برویم و دعا کنیم و رهایی این بانو را از خداوند درخواست نمایم و سپس یکی از شیعیان را به مرکز حکومت فرستاد و تأکید نمود که همان‌جا بماند تا فرستاده‌اش نزد او برود تا از وضعیت آن بانو با خبر شود. بشار گوید: در خدمت آن حضرت به مسجد سهله رفتیم و هر یک از ما دو رکعت نماز خواند، آن گاه امام صادق علیه السلام دست به سوی آسمان بالا برد و دعایی خواند... (۶۹) آن گاه به سجده افتاد، به طوری که فقط نفس کشیدن او را می‌شنیدم، سپس سر از سجده برداشت و فرمود: برخیز که خانم آزاد شد! از مسجد سهله بیرون رفتیم، بین راه آن شخص که به مرکز حکومت فرستاده شده بود به ما ملحق شد، امام علیه السلام به او فرمود: چه خبر؟ عرضه داشت: آن خانم آزاد شد. امام علیه السلام فرمود: چگونه (و به چه سبب) او را آزاد کردند؟ گفت: نمی‌دانم ولی من آنجا ایستاده بودم که ناگهان دربانی آمد و آن خانم را فراخواند و از او پرسید: چه گفتی؟ (که تو را دستگیر کردند) خانم پاسخ داد: به زمین افتادم و گفتم: ای فاطمه علیها السلام! خداوند ظلم کنندگان بر تو را لعنت کند! که این گونه با من رفتار شد. دربان دوست درهم به آن بانو تقدیم کرد و گفت: این مبلغ را بگیر و امیر را حلال کن! خانم پول را پذیرفت، دربان به نزد رئیس خود رفت و گزارش داد. سپس بیرون آمد و به خانم گفت: (آزاد هستی) به منزلت برو! خانم هم به سوی منزل خود روانه شد. امام صادق علیه السلام فرمود: حاضر نشد دوست درهم را بپذیرد؟! مرد گفت: آری، در حالی که به خدا سوگند به آن مبلغ نیاز داشت! بشار گوید: امام علیه السلام کیسه‌ای از جیب خود بیرون آورد که هفتصد دینار در آن بود و به من فرمود: تو این کیسه را به منزل او ببر و سلام مرا به او برسان و این هفتصد دینار را به او پرداخت کن! راوی گوید: همگی به در منزل آن خانم رفتیم و سلام امام را به او ابلاغ نمودیم. خانم پرسید: شما را به خدا! حضرت جعفر بن محمد به من سلام فرستاد؟! من گفتم: درود خداوند بر تو باد، به خدا سوگند که حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام به تو سلام فرستاد! فریادی کشید و بیهوش بر زمین افتاد. صبر کردیم تا به هوش آمد و گفت: دوباره سخن امام علیه السلام را تکرار کن. تا سه مرتبه پیام امام علیه السلام را برای او تکرار کردیم، آن گاه به او گفتیم: این مبلغ را که آن حضرت برای فرستاده بگیر و مژده‌ات باد! هدیه امام علیه السلام را گرفت و گفت: از آن حضرت بخواهید که نجات این کنیز خود را از خداوند مسألت نماید که هیچ احدی را بزرگ‌تر از آن حضرت و از پدران و نیاکانش نمی‌شناسم تا به وسیله او به درگاه خداوند روی آورم. بشار گوید: به محضر امام علیه السلام بازگشتیم و به بیان حکایت آن خانم پرداختیم، امام علیه السلام گریست و برای آن زن دعا کرد. پس من گفتم: ای کاش می‌دانستم فرج و گشایش آل محمد صلی الله علیه و آله را چه وقت خواهیم دید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: ای بشار! هر گاه ولی خداوند که چهارمین پشت از فرزندان من است در سخت‌ترین سرزمین‌ها میان بدترین بندگان وفات یابد، آن هنگام به بنی فلان (بنی العباس) مصیبت سیاه تیره و تار فرا می‌رسد. وقتی چنین وضعی را مشاهده کنی کارها پیایی دشوار خواهد شد. (۷۰)

پیام امام کاظم علیه السلام

ابو ولّاد حفص بن سالم از اصحاب گران‌قدر امام موسی بن جعفر روزی به محضر آن جناب شرفیاب شد، امام علیه السلام به او فرمودند: پیام مرا به یارانت برسان و به آنان بگو: تقوای خداوند را پیشه سازید که شما در دوران زمامداری ستمگر - یعنی منصور دوانیقی - هستید، پس زبان‌هایتان را حفظ کنید و جان و دین خود را نگهداری و مواظبت نمایید و آنچه را بر ما و خودتان از ناحیه

او بیمناک هستید توسط دعا دفع و برطرف سازید؛ زیرا که دعا و درخواست از خداوند بلا و گرفتاری را باز می‌گرداند، هرچند که تقدیر شده و به مرحله قضا رسیده اما هنوز اتفاق نیفتاده باشد. و هرگاه خداوند خوانده شود و از او درخواست گردد بلا را به کلی باز می‌گرداند، پس در دعا زاری کنید که خداوند شرّ او را دفع نماید. ابولّاد گوید: هنگامی که پیغام امام علیه السلام را به یارانم رساندم، دستور آن حضرت را به کار بستند و برای دفع شرّ آن ستمگر دعا نمودند. همان سال منصور دوانیقی به سوی مکه حرکت کرد، وقتی به بئر میمون وارد شد هنوز احرام نبسته بود که به هلاکت رسید و خداوند ما را از شرّ او راحتی بخشید. ابولّاد گوید: من نیز همان سال به مکه مشرف شدم. سپس به محضر امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم. به من فرمود: ای ابولّاد! اثر و نتیجه دستور و تأکید مرا نسبت به دعا چگونه دیدید؟ هر گرفتاری که بر بنده مؤمنی فرود آید و او به دعا روی آورد به زودی آن گرفتاری برطرف می‌شود و هرگاه بلا و گرفتاری بر بنده مؤمنی فرو ریزد و او از دعا خودداری نماید، آن گرفتاری طولانی خواهد شد. (۷۱) پس دعا برای امام علیه السلام مؤثر است. در دعای امام زمان «عَجَّلَ اللَّهُ فِرْجَهُ» می‌خوانیم: «وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ؛ (۷۲) خداوند! او را از پیش روی و پشت سر و از سمت راست و سمت چپ حفظ کن». هرچند خداوند وعده داده است که امام علیه السلام را تا هنگام ظهورش زنده بدارد ولی این گونه نیست که ناگواری به آن حضرت نرسد، چون او هم همانند پیامبر است که در معرض بیماری‌ها و ناگواری‌ها قرار می‌گیرد و نیز هرگونه ناگواری و گرفتاری که برای شیعیان و دوستان پیش می‌آید، آن حضرت را آزرده و ناراحت می‌سازد و چه بسا به وسیله دعای شیعیان بلا از آن حضرت دفع شود. پس ما نیز باید سعی کنیم تا بوسیله دعا نمودن برای آن حضرت جزء ذاین آن حضرت باشیم.

صدقه، بلاها را دور می‌سازد

یکی دیگر از موارد ذبّ از امام زمان علیه السلام صدقه دادن از طرف ایشان است تا خداوند بلاها را از ایشان دفع نماید. البته اثر صدقه برای امام زمان علیه السلام به خود شخص هم می‌رسد و طوری نباشد که امام زمان علیه السلام را شریک در صدقه قرار دهیم مثلاً بگوییم: این صدقه را برای سلامتی خود و امام زمان علیه السلام می‌دهم بلکه باید برای حضرت احترام و ارزش خاصی قرار داد و آن جناب را در صدقه دادن مقدم داشت. روزی در محضر زعیم و مرجع گران قدر شیعه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره شخصی گفت: برای سلامتی آقا امام زمان علیه السلام و حضرت آیت الله بروجردی صلوات! فوری آیت الله العظمی بروجردی به آن شخص اعتراض نمودند و با صدای بلند فرمودند: من کی هستم که مرا در کنار امام زمان علیه السلام نام می‌بری؟! پس اول به نام امام زمان علیه السلام و نیز به نیابت از آن حضرت صدقه بدهد. (۷۳)

پرهیز از رفتار ناگوار

یکی دیگر از راه‌های ذبّ از امام زمان علیه السلام این است که عمل و رفتار ما نسبت به امام زمان علیه السلام ناگواری نداشته باشد. در زمان قبل از انقلاب در ضریح‌های مطهره زن و مرد باهم زیارت می‌کردند. یکی از علمای بزرگوار مشهد مقدس (۷۴) برای معالجه چشم به تهران آمدند. زمانی که در بیمارستان بستری بودند، یکی از تجار تهران که با ایشان آشنایی داشتند به مشهد مشرف می‌شود. این عالم در خواب می‌بیند که امام رضاعلیه السلام بر ضریح مطهر نشسته‌اند و مردم به زیارت آن حضرت نائل می‌شوند. ناگهان شخص تاجر که به زیارت آقا مشرف شده بود شی‌ای از پیش روی پرتاب نمود! حضرت خیلی ناراحت شدند. آن مرد به طرف دیگر ضریح مطهر رفت و شی‌ای دیگر به جانب حضرت پرتاب کرد، باز حضرت ناراحت شدند. بار سوم آن شخص به طرف پشت سر رفت و شی‌ای به سوی امام علیه السلام پرتاب نمود، حضرت به پشت افتادند! آن عالم وحشت زده از خواب بیدار شد، با این که معالجه چشم ایشان پایان یافته بود به منظور ملاقات آن شخص تاجر در تهران ماندند؛ زیرا که سفر او ده روزه بوده است.

وقتی آن شخص از سفر برگشت به او فرمود: در این سفر چه کردی؟ گفت: من کاری نکرده‌ام به زیارت رفته بودم. عالم گفت: تو به حضرت آزار و اذیت رساندی من خودم در خواب دیدم. آن شخص با گریه و شرمساری مجبور به اقرار شد و گفت: وقتی به حرم رفتم هنگامی که نزدیک ضریح رسیدم دیدم خانمی دستش را روی ضریح گذاشته است من هم دستم را روی دست او گذاشتم. بعد آن زن به طرف دیگر ضریح رفت من هم دنبال او رفتم و دستم را روی دست او گذاشتم. برای بار سوم به طرف دیگر ضریح رفت و من هم به دنبال او رفتم و دستم را روی دست او گذاشتم. و از او پرسیدم: اهل کجایی؟ گفت: اهل تهران! با هم رفاقت کردیم و به تهران آمدیم! (۷۵) گناه کردن موجب رنجاندن و اذیت امام علیہ السلام می‌شود. لذا باید طوری رفتار کنیم که موجب ناگواری امام علیہ السلام نباشد بلکه باید با تجدید نظر در رفتار خود ناگواری‌ها را از امام زمان علیہ السلام دور و برطرف سازیم. ما باید تابع باشیم نه این که هر چه دلمان خواست عمل کنیم. حتی نسبت به عزاداری به گونه‌ای باشیم که به ما دستور داده‌اند. نه به گونه دوره جاهلیت. در زیارت نامه حضرت ابوالفضل العباس علیہ السلام این معنا آمده است: «الذَّائِبُونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ؛ دفع کننده دشمنان، از دوستان خداوند».

شتاب در برآوردن نیازهای امام زمان علیہ السلام

والمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ شَتَابندگان به سوی آن حضرت در برآوردن نیازهایش قضاء حوائج یعنی برآورده نمودن خواسته‌ها و نیازها و آرزوها. خداوند ثواب‌ها و پاداش‌های فراوان برای شخصی که نیازهای برادر مؤمنش را برآورده سازد قرار داده است. شیخ کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی بابی دارد به نام «باب قضاء حوائج المؤمن» که در این باب ۱۴ حدیث آورده است و بابی دارد به نام «باب السعی فی حاجه المؤمن» که در این باب یازده حدیث ذکر فرموده است. البته احادیث دیگری نیز در باب‌های دیگر در این باره آمده است. عنوان سعی همین عنوانی است که در این دعا می‌خوانیم. سعی یعنی شتاب کردن. در حج، سعی بین صفا و مروه است که به معنی با سرعت حرکت کردن است. و در قرآن آمده: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى؛ (۷۶) «و از دورترین نقطه شهر مردی شتابان آمد». یعنی این مرد وقتی که پیامبران در معرض خطر بودند با شتاب حرکت می‌کرد تا از این‌ها دفاع نماید. در آیه دیگر می‌فرماید: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْقَوْمَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ»؛ (۷۷) «و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد و گفت: ای موسی! همانا این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشستند». در حاجت مؤمن سعی و تلاش شرط است و اگر کسی در برآوردن حاجت مؤمن سعی و تلاش کند هرچند حاجت او برآورده نشود ثواب و پاداش به او تعلق خواهد گرفت. و در این زمینه احادیث بسیار است که به چند روایت بسنده می‌کنیم: ۱ - صدقه حُلوانی می‌گوید: در حال طواف بودم، یکی از برادران دینی به من رسید و گفت: دو دینار قرض می‌خواهم. به او گفتم: کناری بنشین، وقتی طواف تمام شد به تو می‌دهم، وقتی در شوط ششم یا هفتم بودم، امام صادق علیہ السلام وارد طواف شدند. امام علیہ السلام هنگام طواف دستشان را بر شانه من گذاشتند. من به احترام امام صادق علیہ السلام طواف را ادامه دادم و بعد از اتمام طواف خارج نشدم. آن شخص چون امام را نمی‌شناخت به من اشاره نمود. امام علیہ السلام به من فرمود: گویا این شخص به تو اشاره می‌کند. من عرض کردم: آری او مقداری از من قرض می‌خواهد و من به او گفتم کناری بنشین تا طواف من تمام شود و هم اکنون طواف من تمام شده و من به احترام شما از طواف خارج نشدم. حضرت فرمودند: به سرعت برو خواسته‌اش را برآورده کن. من هم به طرف آن شخص رفتم و حاجت او را برآورده نمودم. بعد از دو سه روز خدمت امام صادق علیہ السلام شرفیاب شدم. آن حضرت با اشخاص گفت و گو می‌کردند که تا چشمشان به من افتاد سخن خود را با آن‌ها قطع نمود و فرمودند: «لَيْسَ أَسْعَى مَعَ أَخٍ لِي فِي حَاجَةٍ حَتَّى تُقْضَى أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ وَأَحْمِلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُسْرِجَةً مُلَجَّيَةً؛ (۷۸) اگر من در حاجت و خواسته مؤمنی اقدام کنم تا حاجت او برآورده شود برای من خوش‌تر از آن است که هزار بنده در راه خدا آزاد کنم و هزار اسب زین و

لجام شده (و آماده نبرد) انفاق نمایم». آزاد نمودن بنده در اسلام بسیار مهم است. خداوند می‌فرماید: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ؛» (۷۹) «ولی او از آن گردنه مهم نگذشت و تو چه دانی که آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای یا غذا دادن در روز گرسنگی». حال اگر هزار برده را در راه خدا آزاد کند چه ثوابی دارد؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بر آوردن حاجت مؤمن برای من خوشایندتر است از آزاد نمودن هزار بنده. ۲ - امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاءَهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَعُمْرَةً وَاعْتِكَافُ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَصِيَامَهُمَا وَإِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَلَمْ يَجْرِيَ اللَّهُ قَضَائَهَا عَلَى يَدَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَعُمْرَةً؛» (۸۰) هر آن که در جهت برآورده شدن خواسته برادر مسلمانش تلاش کند تا خداوند آن را به دست او برآورده سازد خداوند یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام با روزه آن‌ها را برایش بنویسد و اگر برای برآورده نمودن حاجت برادر مؤمنش تلاش نمود ولی خداوند بوسیله او حاجت آن مؤمن را برآورده نکرده، خداوند به او ثواب یک حج و یک عمره می‌دهد. مثلاً اگر کسی برای ضمانت به صندوق قرض الحسنه رفت اما گفتند: شما چون ضامن چند نفر شده‌ای دیگر نمی‌توانی ضامن کسی بشوی! این شخص هر چند موفق نشده تا حاجت برادرش را برآورده کند ولی خداوند به او ثواب یک حج و یک عمره می‌دهد. حج کردن چقدر زحمت دارد؟ ولی خداوند در مقابل یک عمل کوچک چنین ثوابی به انسان می‌دهد هر چند حاجت او برآورده نشود. ۳ - ابو عماره می‌گوید: «كَانَ حَمَادُ بْنُ أَبِي حَنِيْفَةَ إِذَا لَقِيَنِي قَالَ: كَرِهْتُ عَلَيَّ حَدِيثَكَ فَأَحَدَيْتُهُ قُلْتُ: رُوِينَا أَنَّ عَبِيدَ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ إِذَا بَلَغَ الْغَايَةَ فِي الْعِبَادَةِ صَارَ مَشَاطًا فِي حَوَائِجِ النَّاسِ عَانِيًا بِمَا يُصَلِّحُهُمْ؛» (۸۱) حماد بن ابی حنیفه هر گاه مرا می‌دید از من می‌خواست که حدیثم را برای او تکرار کنم و من آن حدیث را می‌خواندم که: برای ما روایت شده که بالاترین درجه عبادت برای عابدان بنی اسرائیل این بود که در کارهای مردم کمک می‌کردند و در راه سامان دادن به کارهای آنان (مردم) خود را به زحمت می‌انداختند. ۴ - در حدیث دیگر آمده است: «مُعَمَّرُ بْنُ خَلْمَادٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛» (۸۲) امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: خداوند در زمین بندگانی دارد که در بر آوردن حاجت مردم کوشش می‌نمایند، آن‌ها کسانی هستند که در روز قیامت ایمن خواهند بود و هر کس مؤمنی را شاد نماید خداوند روز قیامت قلبش را شاد خواهد نمود. حال که تلاش نمودن در قضاء حاجت یک مؤمن چنین ثوابی دارد، بر آوردن حاجت رئیس المؤمنین آقا امام زمان علیه السلام چه ثوابی خواهد داشت؟

خواسته‌های امام عصر «عجل الله فرجه»

حاجت امام زمان «عجل الله فرجه» چیست؟ مقداری از حاجت‌های امام زمان علیه السلام در دعاهای مخصوص به آن حضرت بیان گردیده است. چون که دعاهایی که هر کسی دارد بیان خواسته‌های اوست. چرا که خداوند دوست دارد انسان‌ها حاجت‌هایشان را به پروردگارشان عرضه بدارند. خداوند به حضرت موسی علیه السلام خطاب نمود که هر نیازی داری از من بخواه، حتی علوفه گوسفند و نمک غذای خود را از من بخواه. (۸۳) لذا از دعاها می‌توان فهمید که حاجت امام زمان علیه السلام چیست. یک قسمت از حوائج، مخصوص به زمان ظهور است، قسمتی دیگر از حوائج مربوط به زمان غیبت است و مقداری نیز به زمان ظهور یا غیبت اختصاص ندارد و همیشه خواسته شده است. از جمله دعای حضرت است که: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّيَّةِ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةَ...» (۸۴) این‌ها حوائج امام زمان علیه السلام است. آیا فقط خواندن این دعاها کافی است یا باید در تحقق آن خواسته‌ها سعی و تلاش نمود؟! امام عصر علیه السلام برای ما توفیق طاعت و فرمانبرداری از دستورهای الهی و دوری از گناه و نافرمانی و نیت صادقانه و پایداری در مسیر هدایت و راستگویی و درستکاری و ... را می‌خواهد، سعی کنیم آن‌گونه باشیم که خواسته و آرزوی اوست. یا دعای ماه مبارک رمضان: «اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورِ... البته تحقق نهایی آن

در زمان ظهور است اما حال که در زمان غیبت هستیم نسبت به گرفتاری مسلمانان باید بی‌اعتنایی نمود؟ یاری کردن مسلمانان در واقع سرعت گرفتن به قضاء حاجت امام زمان «عَجَّلِ اللَّهُ فَرْجَهُ» است. از همه مهم‌تر سعی و تلاش در امر دولت کریمه آن حضرت علیه السلام است که در دعای افتتاح حضرت خواسته‌هایش را این گونه بیان می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْبُغْيَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (۸۵) خداوند! در حقیقت، ما مشتاق دولت کریمه‌ای هستیم که به وسیله آن اسلام و اهل اسلام را به عزت و سربلندی رسانی و نفاق و منافقان را خوار و زبون سازی و در آن دولت گرامی ما را از جمله دعوتگران به سوی فرمانبریت و راهبران به مسیر هدایتت قرار دهی و بدین وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما روزی فرمایی». لذا مهم‌ترین کار برای برآوردن حاجت آن حضرت علیه السلام فراهم کردن مقدمات ظهور آن سرور است. عملی که می‌تواند مقدمات ظهور را فراهم کند تقوا و ترک محرمات و انجام واجبات و مستحبات و نیز خواندن زیارت عاشورا و گریه کردن برای امام حسین علیه السلام است که یکی از حوائج امام زمان علیه السلام خونخواهی برای جلد غریبش حسین علیه السلام و ما در زیارت عاشورا می‌خواهیم که جزء کسانی باشیم که به خونخواهی سید الشهداء برخیزیم. «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَمَارِكُمْ مَعَ إِيَّامِ هَيْدِي ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ». امیدواریم خداوند ما را در شمار سرعت گیرندگان در قضاء حوائج امام زمان علیه السلام قرار بدهد. در عصر حضور ائمه اطهار علیهم السلام افرادی بودند که اهتمام زیادی داشتند که حوائج امام علیه السلام را برآورده سازند.

مردی از اهالی ری

شخصی از اهالی شهر ری چنین نقل کرده که مبلغ سنگینی به عنوان مالیات بدهکار بودم که اگر آن را می‌پرداختم فقیر و مستمند می‌شدم، و از دستگاه حکومت بیمناک بودم که مبادا زندانی شوم یا آسیبی به من رسد. بالاخره تصمیم گرفتم که به سفر حج بروم و به خدا پناه ببرم و از امام زمانم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام چاره‌جویی کنم. هنگامی که به محضر آن حضرت شرفیاب شدم و جریان را به عرض رسانیدم. امام علیه السلام به فرماندار چنین نوشتند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَعْلَمَ أَنَّ لِلَّهِ تَحْتَ عَرْشِهِ ظِلًّا لَا يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ أَسَدَى إِلَى أَخِيهِ مَعْرُوفًا أَوْ نَفَسَ عَنْهُ كُرْبِيَةً أَوْ أَدْخَلَ عَلَى قَلْبِهِ سِرُّورًا وَهَذَا أَخُوكَ وَالسَّلَامُ؛ بدان که در حقیقت خداوند زیر عرش خویش سایبان رحمتی دارد که در آن جای نمی‌گیرد مگر کسی که به برادر خود نیکی نماید یا غم و اندوهی از او بردارد یا بر دل او سرور و خرسندی وارد سازد و این برادر توست و السلام!». این شخص به شهر خود بازگشت و به در خانه فرماندار رفت. به فرماندار خبر دادند که شخصی پیامی از طرف امام موسی بن جعفر علیه السلام برای تو آورده است. سراسیمه به استقبال آن شخص آمد و او را با احترام به داخل خانه برد، نامه را از او گرفت، بوسید و خواند. سپس ابتدا هرچه داشت به طور مساوی با او تقسیم کرد، آن‌گاه گفت: دفتر مالیات را بیاورید، هنگامی که دفتر را آوردند تمام مالیات را از آن شخص برداشت و نوشته‌ای به او داد که هیچ گونه مالیات برعهده او نیست. آن شخص گوید: به منظور جبران محبت‌های فرماندار تصمیم گرفتم سفر دیگری به حج بروم تا در موسم برایش دعا کنم. وقتی به خدمت آقا موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شدم و جریان را نقل کردم، آن حضرت فرمود: به خدا قسم این سرور و خوشحالی را بر ما وارد ساخت و امیر مؤمنان علیه السلام را خوشحال کرد، به خدا سوگند جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله را خرسند نمود و البته خداوند را مسرور ساخت. (۸۶) این شخص از افرادی است که جزء مسارعین در قضاء حاجت امام علیه السلام است. ما نیز باید چنین باشیم، دست افتادگان را بگیریم. اگر جوانی به خاطر مشکلاتی به گناه مبتلاست، دست او را بگیریم و ... و نیت کنیم که به جهت امام زمان علیه السلام این کار را انجام دهیم. و طوری نباشد که به وسیله سستی نسبت به قضاء حاجت امام علیه السلام موجبات خسران خود و دیگران را بیار آوریم. تاریخ بهترین عبرت است، چرا که اگر بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را یاری می‌نمودند، نه خود به آن فلاکت می‌افتادند و

نه ما این گونه در سختی قرار داشتیم. بعد از ایشان نیز همین طور، اگر به یاری امام حسن علیه السلام می‌شتافتند، این همه خون ناحق ریخته نمی‌شد، دین به مخاطره نمی‌افتاد، این همه حدیث جعل نمی‌شد. معاویه بر سرنوشت اسلام و مسلمین دست نمی‌یافت و این همه کجروی را بنیان نمی‌نهاد. در جریان کربلا همین طور بود، وقتی امام حسین علیه السلام از مدینه حرکت نمودند چند نفر با امام علیه السلام بودند؟ از مکه حرکت نمودند چند نفر با ایشان حرکت نمودند؟ در بین راه چند نفر به ایشان ملحق شدند؟ در شب عاشورا هم عده‌ای از حضرت جدا شدند. تا این که هفتاد و دو نفر باقی ماندند، (۸۷) بنابر روایتی هم از امام باقر علیه السلام هشتاد و چند نفر باقی ماندند، بنابر قول دیگر که بالاترین قول است صد و چهل نفر ماندند. خوب بقیه مردم کجا بودند؟ شیعه‌های دنیا همین افراد بودند؟ پس بقیه چه شدند؟ هجده هزار نفر فقط با حضرت مسلم بیعت کردند. هفده هزار نفر آن‌ها به کنار، هزار نفر دیگر کجا بودند وقتی که امام علیه السلام استغاثه می‌نمود؟ الآن هم هر چه دوران غیبت طولانی‌تر شود گرفتاری شیعه‌ها نیز بیشتر می‌شود. آیا انتظار داریم عصر غیبت باشد و وضع شیعه بهتر شود؟ باید توجه داشته باشیم که یکی از شباهت‌های امام زمان علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام این است که: «وَأَمَّا مِنْ يُوسُفَ فَالْسِّجْنِ وَالْغَيْبِ» (۸۸) امام زمان علیه السلام در زندان غیبت است. اگر پدر شخصی در زندان باشد، آن شخص چه حالی دارد؟ اگر یک روز پدر من و شما در زندان باشد چه حالی داریم؟ بیش از هزار و صد سال است که امام زمان علیه السلام در زندان غیبت بسر می‌برد! ما اگر یک وقتی یادمان بیفتد می‌گوییم: ان شاء الله امام زمان علیه السلام ظهور کند. آن طور که باید شیعه تشنه امام زمان خود باشد، نیستیم. گاهی اوقات هم بعضی‌ها در مورد حضرت علیه السلام در ورطه (مهلکه) افراط و تفریط می‌افتند، بعضی‌ها فکر می‌کنند که امام زمان علیه السلام که ظهور می‌کند از دم همه را می‌کشد، اموال را مصادره می‌کند، و... و در مقابل بعضی‌ها می‌گویند: شمشیر سمبل قدرت امام زمان علیه السلام است. امام علیه السلام هرگز کشتاری ندارد و...! هر دو تفکر باطل و غلط است. چرا که در مورد تفکر اول روایاتی داریم که تصریح می‌نمایند که امام زمان علیه السلام شبیه‌ترین افراد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. و صفت بارز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صبر و عطوفت و گذشت نسبت به گناهکاران است. و در زیارت آل یس می‌خوانیم: «و الغوث و الرحمه الواسعه...». (۸۹) و در مقابل تفکر دوم نیز روایاتی وجود دارد که آن حضرت علیه السلام جنگ‌های متعدد خواهد داشت از جمله این که آن حضرت ذریه قاتلان اباعبدالله علیه السلام را خواهد کشت، زیرا که آن‌ها به کردار پدران خود راضی و خرسند هستند و همان روش را دنبال می‌کنند. (۹۰) لذا سستی‌هایی که در تاریخ نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بوده ما را عقب انداخته است.

فرمانبری از امام زمان علیه السلام

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِّنْ.... وَالْمُؤْمِنِينَ لِأَوَامِرِهِ خَدَاوَنَدًا! مرا از کسانی قرار بده که اوامر او را امتثال می‌کنند و انجام می‌دهند. یکی از وظایف اصلی ما فرمانبری از امر امام زمان علیه السلام است زیرا که ما مصلحت خود را نمی‌دانیم و باید تسلیم دستور خداوند باشیم که حجت خدا برای ما بیان می‌نماید. عالم پارسا مرحوم شیخ زین العابدین سلماسی (متوفای ۱۲۶۶ ه.ق) چنین حکایت کرده است: میرزای قمی (از علمای برجسته شیعه) به منظور زیارت ائمه عراق و حج بیت الله الحرام به نجف اشرف رفته بود، یک روز برای دیدار مرحوم علامه بحر العلوم به مجلس درس ایشان حاضر شد. وقتی کسانی که برای استفاده از سید بحر العلوم حاضر شده بودند - که تعدادشان از صد نفر بیشتر بود - پراکنده شدند و فقط من و سه نفر از خواص او که در برترین درجه درستکاری و پرهیزگاری و اجتهاد قرار داشتند، ماندیم. میرزای قمی به سید بحر العلوم خطاب کرد و گفت: شما که هم فرزند جسمانی این ذوات مقدسه هم فرزند روحانی آن‌ها هستید و به قرب ظاهری و باطنی نایل آمده‌اید. از کراماتی که از ایشان به شما رسیده است برای ما بیان نمایید. علامه بحر العلوم بدون تأمل فرمود: من شب گذشته [- یا دو شب قبل - تردید از راوی است برای انجام نافله شب به مسجد کوفه رفته بودم و تصمیم داشتم اول صبح به نجف بازگردم که جلسه مباحثه و مذاکره تعطیل نشود] و سالیانی بود که برنامه سید همین

بود] وقتی از مسجد بیرون آمدم شوق رفتن به مسجد سهله در دلم افتاد ولی خیال و فکر خود را از آن منصرف کردم زیرا بیم آن داشتم که پیش از صبح به نجف نرسم و مباحثه آن روز تعطیل شود. اما شوق مسجد سهله پیوسته در دلم فزون تر می گشت و دلم میل به رفتن بدانجا داشت. در این اثناء که مرده بودم بادی وزید و غباری برخاست و مرا از راه به آن طرف متمایل ساخت و حرکت داد. طولی نکشید که مرا بر در مسجد سهله انداخت! داخل مسجد شدم، دیدم از زوآر و عبّاد خالی است، جز شخص جلیلی که مشغول مناجات با خداوند بود و کلماتی می گفت که دلم را دگرگون و چشمم را گریان می ساخت، از شنیدن آن کلمات که هرگز به گوشم نخورده و در کتابی ندیده بودم حال من متغیر و دلم از جا کنده شد و زانوهایم مرتعش و اشکم جاری گردید، آن‌ها غیر از دعاهای مأثوره بود که به دست ما رسیده است و دانستم که مناجات کننده، آن کلمات را انشاء می کند نه آن که از محفوظات خودش بخواند. پس در جای خود ایستاده و به آن کلمات گوش دادم و لذت می بردم تا آن که از مناجات، فارغ شد و التفاتی به من کرد و به زبان فارسی به من فرمود: مهدی بیا! پس چند گامی پیش رفتم و ایستادم. باز امر فرمود که پیش روم. منم اندکی رفتم و توقف نمودم. باز امر فرمود که پیش بروم و فرمود: «انّ الادب فی الامتال؛ البته ادب در فرمانبرداری است». من پیش رفتم تا آنجا که دست آن جناب به من و دست من به آن جناب می رسید و تکلم فرمود به کلمه ای. مرحوم سلماسی می گوید: کلام سید که به اینجا رسید یک دفعه از این رشته سخن دست کشید و اعراض نمود و شروع کرد به جواب دادن از سؤالی که محقق قمی قبل از این از سید کرده بود که چرا با آن علمیت کامل و وسعت اطلاع، تصانیف ایشان کم است. میرزای قمی (باز مطلب را عوض کرد و) از آن کلام خفی سؤال نمود. سید بحر العلوم با دست اشاره کرد که نه، این سِری است ناگفتنی. (۹۱) لذا خود پیامبر صلی الله علیه و آله همان کاری را انجام می دهد که خداوند فرموده است بدون چیزی کم و زیاد. خداوند می فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»؛ (۹۲) «اگر یک حرف از خود بخواهد بگوید و به ما نسبت دهد رگ گردنش را می زنیم». این تهدید برای دیگران است و گرنه پیامبر صلی الله علیه و آله که معصوم است و تا معصوم نباشد خداوند او را به عنوان پیامبر انتخاب نمی کند. مبدا نسبت به دستورهای پیشوایان دین از خودمان اظهار نظر کنیم و آن‌ها را تغییر دهیم. در دعاهای مأثوره از ائمه علیهم السلام چیزی کم و زیاد نکنیم. عبدالله بن سنان - یکی از محدثان بزرگ - به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد. ضمن بیان سختی‌ها و شبهه‌های دوران غیبت امام زمان علیه السلام فرمودند: از آن شبهه نجات نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند. عرضه داشت: یابن رسول الله دعای غریق چگونه است؟ حضرت علیه السلام فرمود: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». راوی دعا را چنین خواند: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند مقلب القلوب و الابصار است اما آن گونه که من می گویم بگو. (۹۳) لذا تشخیص ما در احکام دین و فروع صحیح نیست چون ما مصالح را نمی دانیم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نماز مستحبی را نمی شود به جماعت خواند ولی عمر گفت: بیاید نماز را به جماعت بخوانیم و بعد گفت: بدعه و نعم البدعه! یعنی: بدعت است اما خوب بدعتی است! ما که شیعه هستیم باید مواظب باشیم همان گونه که گفته اند عمل کنیم و جزء کسانی نباشیم که خدای ناکرده عملی را سر خود انجام دهیم.

سه فرمان امام عصر «عجل الله فرجه»

توضیح

در اینجا به بیان سه فرمان امام زمان علیه السلام که در زمان غیبت صغری صادر شده است، می پردازیم.

۱ - تقلید

یکی از اوامر امام زمان علیه السلام که در توقیع شریف از آن حضرت صادر شده است مربوط به تمام اعمال ماست. ایشان می‌فرماید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَمَارِجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛ (۹۴) در رویدادهایی که واقع می‌شود در حکم آن به کسانی که راویان احادیث ما هستند (یعنی مجتهد هستند) مراجعه نمایید» البته فقط در احکام فرعی، چون در اصول دین و فروع، تقلید جایز نیست.

۲ - دعا برای تعجیل فرج

دیگر از اوامر آن حضرت در پایان این توقیع می‌فرماید: «واكثرُوا الدعَاءَ بتعجیل الفرَج؛ (۹۵) برای فرج من زیاد دعا نمایید». یعنی هر روز، هر شب، بعد از هر نماز، قبل از هر نماز، در مجالس عزاداری، در حج در عمره و ... و این توفیقی است که نصیب بعضی از افراد می‌شود و گرنه اکثر مردم غافلند و دنبال دنیا و مادیات هستند و تمام فکر و ذهنشان را دنیا پر کرده است.

۳ - زیارت آن حضرت «عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ»

همچنین از اوامر آن حضرت علیه السلام نسبت به خواندن زیارت آل یاسین است. آن حضرت علیه السلام در ابتدا می‌فرماید: «لَا مَرَّةَ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ؛ نه امر او (خداوند) را در می‌یابید و نه از اولیای او می‌پذیرید»، هر گاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند توجه کنید و به ما روی آورید، پس همان گونه که خداوند متعال فرموده است بگویید: سلام علی آل یس ...

پشتیبانی از امام زمان علیه السلام

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ... وَالْمُحَامِيْنَ عَنْهُ خَدَاوَنَدَا مَرَا... و از هواداران او (قرار ده) محامی: حمایت کننده از روی شوق و عنایت و پشتیبان و هوادار و نگهبان را گویند و جمع آن محامین است. امروزه در کشورهای عربی و کیل دادگستری را محامی نامند؛ زیرا که از حقوق موکل خود حمایت کرده و از منافع وی دفاع می‌نمایند و به طور کلی پشتیبان او شناخته می‌شود. و نیز پاسدار و محافظ شخصیت‌ها را، حمایه می‌خوانند که نگهبانی و مراقبت دارد تا مبادا صدمه و آسیبی به آن شخصیت برسد. فرق بین حمایت و حفاظت آن است که حمایت در جایی است که مراقبت محصور نباشد و آفت‌ها و آسیب‌های احتمالی نامحدود باشد، مانند: زمین و شهر که گویند: «هو یحیی الارض و البلد؛ او شهر و زمین را نگهبانی می‌کند». اما حفاظت در موردی است که می‌توان آن را محدود و محصور ساخت که گویند: فلانی از پول و کالای خویش محافظت می‌کند و نمی‌گویند: فلانی زمین و یا شهر را محافظت می‌نماید، مگر کسی که عامی باشد و کلمات را در جای خود به کار نبرد. (۹۶) حمایت و نگهبانی از دین و پشتیبانی از اولیای دین از مهم‌ترین وظایف ایمان است که به حکم عقل و شرع ثابت می‌باشد. عقاید و احکام و سنت‌های دینی به سبب حمایت و هواداری و نگهبانی و مراقبت مؤمنان با اخلاص پایدار است و شرارت باطل جویان و کجروان و شبه‌انگیزی بداندیشان و نابخردان همواره با تلاش حامیان و هواداران دین دفع گردیده است. تمامی پیامبران به حمایت از دین برخاسته‌اند و همه امامان محامی و نگهبان دین بوده‌اند و در این راه رنج‌ها و سختی‌های فراوان کشیده‌اند. در زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَالذَّادَةُ الْحُمَاهُ؛ (سلام بر شما...) مدافعان حمایت‌گر...». پشتیبانی از امام عصر «عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ» در حقیقت طرفداری از حق پرستی و هواداری از عدل و داد و نگهبانی از فضیلت و نیک‌اندیشی و حمایت از درستکاری و پاسداری از حریم تقوا و پرهیزگاری است و جانبداری از حقوق خدا و رسول و ائمه اطهار علیهم السلام و اهتمام به حقوق مستضعفین و مظلومین است. خداوند متعال در قرآن کریم حامیان دین و مدافعان اولیای دین را ستوده است. از جمله راجع به مؤمن آل یاسین فرماید: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ...؛ (۹۷) «از دورترین نقطه شهر (راد) مردی با ایمان در حالی که شتاب می‌کرد آمد و گفت: ای قوم من! از فرستادگان (خداوند)

پیروی نمائید از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند و چه دلیلی دارد که من کسی که مرا پدید آورده است را پرستش نکنم! و حال آن‌که به سوی او باز گردانده می‌شوید؟ آیا به جز او معبودانی برگیرم که هرگاه خداوند رحمان بخواهد زبانی به من رساند شفاعت آن‌ها هیچ سودی برایم نخواهد داشت و مرا (از گرفتاری) نجات نخواهند داد؟! اگر چنین کنم در گمراهی آشکاری خواهم بود، من به حقیقت به پروردگارتان ایمان آوردم پس سخنان (و راهنمایی‌های) مرا شنوید...». و درباره مؤمن آل فرعون فرماید: «وَقَالَ رَبُّ لِّمُؤْمِنٍ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ...»؛ (۹۸) «و مردی مؤمن از آل فرعون که ایمان خویش را پنهان می‌داشت چنین گفت: آیا مردی را بدین سبب می‌کشید که می‌گوید: پروردگار من (الله) است! و حال آن‌که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برایتان آورده است؟! پس اگر دروغگو باشد دروغش دامنگیر خودش می‌شود و اگر راستگو باشد (دست کم) قسمتی از عذاب‌هایی را که وعده می‌دهد به شما خواهد رسید. خداوند کسی که اسراف کار و دروغگو است را هدایت نمی‌کند».

حامیان بزرگ دین

مهم‌ترین حامی و پشتیبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان جناب ابوطالب علیه السلام عموی گرامی آن حضرت بوده است. فرزندان برومند ابوطالب علیه السلام نیز شیوه پدر را پیش گرفتند و تمام عمر به حمایت و دفاع از حریم دین و هواداری از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند، به خصوص مولای متقیان علی علیه السلام که فداکاری‌های آن حضرت غیر قابل انکار است. از حمایت‌های مهم و افتخار آمیز در تاریخ اسلام حمایت و پشتیبانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام از امام زمان و برادر بزرگوار خویش حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است. آن‌چنان حمایت کرد که دست‌هایش از بدن جدا شد و تیر بسیار بر پیکرش وارد آمد. هنگامی که دست راستش را جدا کردند چنین فرمود: «وَاللَّهِ إِنِ قَطَعْتُمَا يَمِينِي إِنِّي أَحَامِي أَوَّلَ عُنُقِ دِينِي وَعَنْ أَمَامِ صَادِقِ الْيَقِينِ نَجْلِ النَّبِيِّ الصَّادِقِ الْأَمِينِ (۹۹)» به خدا سوگند که اگر دست راستم را قطع کردید من تا آخرین نفس از دینم حمایت می‌کنم. از امامی پشتیبانی دارم که راست یقین است، آن فرزند پیامبر راستین امانت‌دار می‌باشد. و در زیارت آن حضرت آمده است: «فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمَجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ وَالْأَخِ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ»؛ (۱۰۰) پس چه نیکو صبر کننده جهادگر، پشتیبان یاور و برادری که از برادر خود کاملاً دفاع نمود». ما هم خطاب به مولای عزیزمان حضرت بقیه الله «عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ» عرضه می‌داریم: «بأبي أنت وأمي ونفسي لك الوقاء والحمى»؛ (۱۰۱) پدر و مادرم به فدایت و جانم بلاگردان و حمایت کننده تو باد!

پیشتازی به خواسته امام زمان علیه السلام

وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ از پیشتازان به سوی خواسته او (قرار ده) اراده بزرگ و خواسته مهم حضرت ولی عصر «عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ» برقراری حکومت عدل و داد و زدودن و ریشه کن ساختن ظلم و فساد است که خداوند متعال آن حضرت را برای انجام این برنامه سنگین برگزیده و ذخیره نموده است. هر آن‌که در اجرای این برنامه سبقت گیرد و زودتر از دیگران با آن حضرت همراهی کند بی‌شک نزد خداوند پاداش بیشتری خواهد داشت. همان‌طور که سابقین صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به سایرین ممتاز بوده‌اند و نزد خداوند منزلت و مقام بلندتر و پاداش فزون‌تری دارند، به‌طور کلی پیشتازان به کارهای نیک و اجرای دستورهای الهی مرتبه‌ای بالاتر دارند و نزد خداوند مقرب‌ترند. چنان‌که می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»؛ (۱۰۲) «پشتازان پیشگام، آنانند که مقرب‌انند» نیز فرماید: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...»؛ (۱۰۳) «و پیشتازان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، خداوند از آنان خوشنود گشت و آنان از خداوند خوشنودند و بوستان‌هایی از بهشت برای ایشان فراهم ساخته است که نهرها از زیر درختانش جاری می‌باشد، جاودانه

در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ! «همچنین خداوند متعال مؤمنان را به سبقت جستن در کارهای نیک و صفات پسندیده تشویق و ترغیب فرموده است: «سَابِقُوا إِلَى مَعْفَرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ...»؛ (۱۰۴) «سبقت جوید (و به پیش تازید) برای رسیدن به آمرزشی از پروردگارتان...». «فَاسْبِقُوا الْخَيْرَاتِ»؛ (۱۰۵) «پس به نیکی‌ها (بر یکدیگر) سبقت جوید». و دعای مؤمنان را برای پیشگامان به ایمان که حاکی از کردار پسندیده ایشان است بازگو فرموده است: «يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ»؛ (۱۰۶) «می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت داشته‌اند بیامرز». گفتنی است که: مقام اول سابقین به امیرمؤمنان علی علیه السلام اختصاص دارد که آن حضرت نخستین کسی است که از دل و جان به نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله گروید و گواهی داد و با خلوص نیت به دفاع از حریم آن جناب پرداخت. و همان‌گونه که پیش کسوتان و سبقت جویان به ایمان و اعتقاد به پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران نخستین آن حضرت مقامی برتر و درجه‌ای بلندتر کسب کرده‌اند، همچنین سابقین در اجابت دعوت امام عصر علیه السلام و پیشگامان در اجرای خواسته آن حضرت، مرتبه بیشتر به دست می‌آورند و نزد خداوند قرب و منزلت فزون‌تری دارند. بنابراین باید سعی کنیم که در تقوا و درستکاری و عبادت سبقت گیریم و در عمل به احکام قرآن و تحصیل معارف و حقایق آن و اهتمام به دعا برای تعجیل فرج - که مهم‌ترین خواسته‌های امام علیه السلام است - پیش قدم باشیم. مولای متقیان علی علیه السلام در وصیت‌نامه خود چنین فرمود: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ؛ (۱۰۷) از خداوند پروا کنید، از خدا بترسید در باره قرآن، مبدا دیگران با عمل به آن بر شما پیشی بگیرند». مبدا افراد غیر مسلمان با عمل به احکام قرآن و پیشه ساختن آیین مسلمانی در زندگانی خویش موفق‌تر از ما شوند و ما از آنان عقب‌تر باشیم. خدا نکند که راستگویی و امانتداری از میان ما رخت بر بندد ولی بیگانگان به آن پایبند باشند و چنین پندارند که در آیین اسلام کاستی هست و بر پیروان اسلام خرده گیری کنند، غافل از این که: اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست در مسلمانی ماست در پایان این بخش نظر خوانندگان عزیز را به یک حدیث شریف در رابطه با عبادت در عصر غیبت جلب می‌کنم:

عبادت در عصر غیبت

عمار ساباطی گوید که به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: کدام یک بهتر است؛ عبادت پنهانی با امام غایب از شما در دولت باطل یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن با امام آشکار از شما؟ فرمود: ای عمار! به خدا که صدقه در سرّ (پنهان) از صدقه آشکارا بهتر است، همین طور به خدا قسم عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنان و یا صلح با او، بهتر است از کسی که خدای - عزوجل - را در زمان ظهور حق با امام بر حق ظاهر در دولت حق عبادت نماید و عبادت توأم با ترس در دولت باطل همچون عبادت و امتیت در دولت حق نیست. بدانید که هر کس از شما در این زمان نماز واجب خود را در وقتش به جماعت و به طور کامل بجای آورد و از دشمنش کتمان نماید. خداوند ثواب پنجاه نماز واجب به جماعت گزارده شده را برای او بنویسد و هر یک از شما که در این زمان نماز واجبش را فردای و در وقت خود به طور کامل و درست ادا نماید، خداوند - عزوجل - ثواب بیست و پنج نماز واجب فردای برای وی بنویسد و هر کدام از شما که یک نافلة را در وقتش به طور کامل بجای آورد، خداوند برایش ثواب ده نماز نافلة بنویسد و هر کس از شما کار نیکی انجام دهد خدای - عزوجل - چند برابر خواهد ساخت، به شرط این که حسن عمل داشته باشد و نسبت به دین و امام و جان خود تقیه را به کار بندد و زبانش را حفظ کند، همانا خدای - عزوجل - کریم است. عرضه داشتم: فدایت شوم به خدای قسم مرا بر عمل تشویق فرمودی و برانگیختی ولی دوست دارم بدانم چگونه است که ما اعمالمان از اعمال اصحاب امامی که ظاهر باشد در دولت حق بهتر است و حال آن که همه یک دین داریم؟ فرمود: شما در گرویدن به دین خدای - عزوجل - و به نماز و روزه و حج و به هر کار نیکی و دانشی و به عبادت خدای - عزوجل - پنهانی از ترس دشمنان از آنان پیشی گرفته‌اید. با امام پنهان شده خود و مطیع او هستید و مانند او صبر می‌کنید و به

انتظار دولت حق به سر می‌برید در حالی که بر امامتان و بر جانتان از زمامداران ستمگر می‌ترسید. حق امامتان و حقوق خودتان را در دست ستمگران می‌بینید که از دست شما گرفته و به کشت دنیا و کسب معاش و ادارتان نموده‌اند. با وجود صبر شما نسبت به دین و عبادتتان و اطاعت امامتان و ترس از دشمنتان. پس به این خاطر است که خداوند - عزوجل - ثواب اعمالتان را چند برابر قرار داده است که گوارایتان باد. عرض کردم: قربانت کردم، بنابراین (به نظر شما) آرزو نکنیم این که از اصحاب قائم باشیم و حق آشکار گردد، با این حال که ما امروز در زمان امامت و با اطاعت شما ثواب اعمالمان بهتر از اصحاب حق و عدل می‌باشد؟ فرمود: سبحان الله آیا دوست نمی‌دارید که خداوند تبارک و تعالی حق و عدل را در بلاد ظاهر کند و خداوند وحدت کلمه پدید آورد، خداوند بین دل‌های مختلف و پراکنده اُلفت دهد و خدای - عزوجل - در زمینش معصیت نشود و حدودش در خلقتش اجرا گردد و خداوند حق را به اهلش بازگرداند؟ پس حق آشکار شود تا هیچ قسمتی از حق از ترس احدی از خلق مخفی نماند، به خدا قسم ای عمار هیچ کس از شما در این حال که شما دارید نمیرد مگر این که نزد خداوند از بسیاری از شهدای بدر و احد بهتر باشد پس شما را مژده باد. (۱۰۸)

شهادت در پیشگاه امام زمان «عجل الله فرجه»

والمستشهدین بین یدیه (مرا) از شهید شدگان در پیشگاه او (قرار ده) درخواست و آرزوی مرگ و نیز خودکشی به هر گونه که باشد از نظر اسلام بسیار ناپسند و نامشروع است و آیات و احادیث بر آن دلالت دارد از جمله روایت شده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به عیادت بیماری رفتند که حالش سخت بود و بر اثر آن تمنای مرگ نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: تمنای مرگ مکن؛ زیرا که اگر نیکوکار بوده‌ای، نیکوکاریت را (در آینده) افزایش می‌دهی و چنانچه بدکردار بوده‌ای تأخیر افتادن مرگ تو مایه آرمزش و جبران گذشته‌ات خواهد شد، پس تمنای مرگ مکنید. (۱۰۹) و در خبر است که شخصی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: از زندگی دنیا خسته و ملول شده‌ام، آیا می‌توانم از خداوند درخواست مرگ کنم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: تمنای زندگی داشته باش تا اطاعت کنی نه این که معصیت نمایی؛ زیرا که اگر زندگی کنی و طاعت خدای را به جای آوری بهتر از آن است که بمیری و بر اثر آن نه معصیت کنی و نه طاعتی انجام دهی. (۱۱۰) روایت شده که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام صدای مردی را شنیدند که آرزوی مرگ می‌کرد. به او فرمودند: آیا بین تو و خداوند نسبتی هست تا به خاطر آن از تو حمایت نماید؟! مرد گفت: خیر! امام علیه السلام فرمود: بنابراین تو آرزوی هلاکت ابدی را داری. (۱۱۱) اما درخواست و آرزوی شهادت از نشانه‌های کمال ایمان و یقین و شیوه مؤمنان راستین است؛ زیرا که آرزوی شهادت حاکی از شوق لقاء الله و میزان معرفت و حسن عمل است. (۱۱۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر آن که از روی صدق طلب شهادت کند، آن منزلت به او عطاء می‌شود هر چند که به شهادت نرسد. (۱۱۳) در دعای امام سجاد علیه السلام است: «وَنَصِيرَ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ» (۱۱۴) «(و سپاس خدای را... چنان سپاسی که...) و به سبب آن در رشته شهید شدگان به شمشیر دشمنانش در آییم». و هم در خصوص چندین نفر از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - و پیش از همه امیرالمؤمنین علیه السلام - در روایاتی وارد شده که شوق شهادت را اظهار می‌نمودند و از خداوند تمنا و از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضا می‌کردند که برای رستگاری ایشان به مقام والای شهادت دعا کند. و در وصف یاران حضرت قائم «عجل الله فرجه» روایت آمده که از خداوند درخواست شهادت می‌کنند و آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند. (۱۱۵) با این حال جای شگفتی است که یکی از نویسندگان غربی شهادت طلبی را شبیه انتحار پنداشته است و از سوی دیگر به اسلام نسبت داده که هر کار نیکی که در راه خدا انجام شود (واجبات اخلاقی) همانند شهادت است. (۱۱۶) در صورتی که در کلمات علما تصریح شده که ثواب شهادت به آنان عطا می‌شود نه این که عمل آنها هیچ فرقی با شهادت نداشته باشد. البته این شبهه یا مشابه آن از قدیم نیز به ذهن برخی از افراد می‌رسیده و علما به این شبهه ها

پاسخ داده‌اند. از جمله سید رضی فرموده است: مؤمنان نمی‌خواستند کافران آن‌ها را بکشند بلکه آرزو می‌کردند که در راه خدا و در مسیر جهاد بمیرند تا به رضوان الهی نزدیک‌تر باشند و به ثواب کامل‌تر او رستگار شوند نه فعل کافرین را که ناپسند و گناه بوده است؛ زیرا که مؤمن را نشاید که آرزوی کفر نماید یا آن را درخواست کند یا به انجام آن از سوی دیگری راضی و خشنود باشد. (۱۱۷) خلاصه این که: مؤمنان نمی‌خواهند و راضی نیستند کار ناپسند و گناه نابخشودنی (کشتن مؤمن) به دست کافران اجرا شود، تا این توهم پیش آید که مؤمن خود به کشته شدنش اقدام یا کمک کرده و کار او شبیه خودکشی باشد بلکه درخواست شهادت فقط مربوط به سعادت و رستگاری خود آنان است، به همین جهت از میدان جنگ از نبرد سخت با دشمن و استقامت در دفاع از حریم دین و جان و مال خود و سایر مؤمنین فروگذار نمی‌کنند و کوتاهی ندارند و اگر هدف آنان تنها کشته شدن به دست کفار بود هیچ مقاومتی نمی‌کرد. شهادت طلبی نمی‌بایست شخص را به سبک‌سری و بی‌باکی برانگیزد و به خودسری و شتابزدگی وادارد. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بر زمین استوار بمانید و در تحمیل سختی‌ها استقامت کنید و دست‌ها و شمشیرهایتان را به خواسته‌های زبانی خود حرکت ندهید و به آنچه خداوند شتاب در آن را بر شما لازم ننموده است شتاب مکنید که هر یک از شما در حالی که حق پروردگار و حق رسول و اهل بیت او را شناخته باشد بر بستر خود بمیرد شهید مرده است و پادشاه او بر خداوند است و سزاوار پادشاه کار نیکی است که در نیت داشته و همان نیت جایگزین شمشیر کشیدنش خواهد بود. هر چیزی مدت و سررسیدی دارد. (۱۱۸) البته گفتنی‌ها درباره شیوه‌های یاری امام زمان «عجل الله فرجه» بسیار است که به همین مقدار بسنده می‌کنم. امید آن که این کمترین خدمت مورد قبول درگاه خداوند و پسند مولایم حضرت بقیه الله «عجل الله فرجه» بوده باشد، و مایه تذکر مؤمنان و ترغیب و انگیزش بیشتر منتظران گردد. با تشکر و تقدیر از همه عزیزانی که در انجام این اثر به هر گونه مرا یاری نمودند. اول رجب الاصب / ۱۴۲۷ سید مهدی حائری قزوینی اصلی

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱- قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشاه ۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشاه ۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشاه ۵ - قرآن کریم/وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشاه ۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدس جمکران ۷ - کلیات مفاتیح الجنان/وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشاه ۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشاه ۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشاه ۱۰ - نهج البلاغه/وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی ۱۱ - صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری/الهی قمشاه ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵ - آخرین پناه محمود ترجمی ۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۲۱)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف الهی ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف ۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد

۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمس (فاطمه) وفائی ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده‌داری علی اصغر رضوانی ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد علی اصغر رضوانی ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات ۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۴۷ - تشریف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری ۴۸ - جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۵۰ - چهل حدیث/امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۵۳ - حکمت‌های جاوید محمد حسین فهم‌نیا ۵۴ - ختم سوره‌های یس و واقعه واحد پژوهش ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۷ - خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه) ۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۹ - داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد ۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۶۱ - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف ۶۲ - در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۶۳ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / همراهی ۶۴ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پیشاور) کریم شنی ۶۵ - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۶۶ - دین و آزادی محمد حسین فهم‌نیا ۶۷ - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی ۶۸ - رسول ترک محمد حسن سیف الهی ۶۹ - روزنه‌هایی از عالم غیب سید محسن خرازی ۷۰ - زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات ۷۱ - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۷۲ - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۷۳ - سرود سرخ انار الهه بهشتی ۷۴ - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۷۵ - سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد الهی ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی ۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه) ۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) محمد حسین نائینی ۸۱ - شمس وراء السحاب/عربی السید جمال محمد صالح ۸۲ - صبح فرا می‌رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید ۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۸۵ - عریضه‌نویسی سید صادق سیدنژاد ۸۶ - عطر سبب حامد حجتی ۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام/عربی المقدس الشافعی ۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۲ - فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش) حسن صدری ۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۹۸ - فریادرس حسن محمودی ۹۹ - قصه‌های تربیتی محمد رضا اکبری ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۱ - کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی) ۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۱۰۶ - گنجینه نور

و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۱۰۷ - مام فضیلت‌ها عباس اسماعیلی یزدی ۱۰۸ - مشکاة الانوار علامه مجلسی رحمه الله ۱۰۹ - مفرد مذكر غائب علی مؤذنی ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه‌ای ۱۱۸ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه‌آبادی ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) - واحد تحقیقات ۱۲۲ - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر ۱۲۵ - نشانه‌های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۲۶ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده ۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۲۹ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری ۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۳۳ - ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۳۴ - هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی / بیژن کریمی ۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجتی ۱۳۸ - ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی: قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید. کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد. سایر نمایندگی‌های فروش: تهران: ۰۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱ یزد: ۰۶۲۴۶۴۸۹، ۲ - ۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱ فریدونکاز: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

پی‌نوشت‌ها

(۱) مصباح الزائر، ص ۲۳۵؛ مکیال المکارم (ترجمه فارسی)، ج ۲، ص ۲۳۰؛ مفاتیح الجنان باب سوم. ۲) دایرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۵۳۷. ۳) کتاب الغیبه نعمانی، ۲۹۶. ۴) سوره صف، آیه ۱۴. ۵) سوره فاطر، آیه ۱۵ و ۱۶. ۶) سوره آل عمران، آیه ۱۲۶ / انفال، آیه ۱۰. ۷) سوره محمد علیه السلام، آیه ۷. ۸) سوره بقره آیه ۲۴۵ / سوره حدید، آیه ۱۱. ۹) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱. ۱۰) دعای تعقیب نماز عصر، مصباح المتهجد. ۱۱) سوره بقره، آیه ۲۱۴. ۱۲) سوره هود، آیه ۴۳. ۱۳) سوره حاقه، آیات ۷-۸. ۱۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸. ۱۵) سوره انبیاء، آیه ۶۹. ۱۶) بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۹. ۱۷) بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۷. ۱۸) اللهوف ابن طاووس، ص ۴۵، صیدا؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰ - ۳۳۱. ۱۹) الاربعین الحسینیة، ص ۳۹. ۲۰) شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۱۵. ۲۱) کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۶۳. ۲۲) سوره آل عمران، آیه ۱۰. ۲۳) سوره انفال، آیه ۱۰. ۲۴) سوره اسراء، آیه ۳۳. ۲۵) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰. ۲۶) کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱. ۲۷) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸. ۲۸) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸ و ۱۱. ۲۹) سوره آل عمران، آیه ۱۵۱. ۳۰) سوره انفال، آیه ۱۲. ۳۱) سوره احزاب، آیه ۲۶. ۳۲) سوره حشر، آیه ۲. ۳۳) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۷۹. ۳۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸. ۳۵) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱. ۳۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰. ۳۷) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸. ۳۸) سوره قصص، آیه ۳۲. ۳۹) سوره نمل، آیه ۱۷. ۴۰) سوره فیل، آیه ۵. ۴۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳. ۴۲) اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵. ۴۳) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸. ۴۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶. ۴۵) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۴. ۴۶) الغدیر، ج ۲، ص ۶۴. ۴۷) الغدیر، ج ۲، ص ۳۴. ۴۸) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸. ۴۹) امام الصادق علیه السلام والمذاهب

الاربعه، ج ۲، ص ۷۰. ۵۰) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴. ۵۱) سوره بقره، آیه ۴۵ و ۱۵۳. ۵۲) سوره غافر، آیه ۵۱. ۵۳) سوره مائده، آیه ۲. ۵۴) الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹. ۵۵) مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۱۲. ۵۶) ثواب الاعمال، ص ۱۷۷. ۵۷) الوافی، ج ۳، ص ۶۷۲. ۵۸) الوافی، ج ۲، ص ۶۴۸. ۵۹) جامع الرواه، ج ۲، ص ۲۴۷ - ۲۴۸. ۶۰) الکافی، ج ۲، ص ۱۶۹. ۶۱) ثواب الاعمال، ص ۲۲۱. ۶۲) کافی، ج ۵، ص ۵۵. ۶۳) الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۲۵۹. ۶۴) بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۵. ۶۵) نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۶۶. ۶۶) مجمع البحرين، ج ۲، ص ۵۸. ۶۷) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۳. ۶۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲. ۶۹) متن دعای امام علیه السلام در بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۲ آمده است. ۷۰) بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۷۹ - ۳۸۱ و ج ۱۰۰، ص ۴۴۱ - ۴۴۳. ۷۱) بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۸. ۷۲) الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸. ۷۳) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۵۳. ۷۴) حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسن طباطبایی قمی (۷۵) جامع الدرر، ۴۴۸. ۷۶) سوره یس، آیه ۲۰ (۷۷) سوره قصص، آیه ۲۰. ۷۸) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵. ۷۹) سوره بلد، آیات ۱۱ تا ۱۴. ۸۰) مرآة العقول، ج ۹، ص ۱۱۴. ۸۱) الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹. ۸۲) الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷. ۸۳) عدّه الداعی، ص ۱۲۳، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۰. ۸۴) مفاتیح الجنان، باب اول. ۸۵) مفاتیح الجنان، دعای افتتاح. ۸۶) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳. ۸۷) حیاة الامام حسین بن علی علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۲۵. ۸۸) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹. ۸۹) به دفتر اول میثاق منتظران مراجعه کنید. ۹۰) علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۹. ۹۱) جنه المأوی حکایت ۹، النجم الثاقب حکایت ۸۳. ۹۲) سوره حاقه، آیه ۴۴ - ۴۶. ۹۳) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱. ۹۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳. ۹۵) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳. ۹۶) معجم الفروق اللغویه، ص ۲۰۱. ۹۷) سوره یس، آیه، ۲۰. ۹۸) سوره غافر، آیه ۲۸. ۹۹) مهیج الاحزان، ص ۴۰۲. ۱۰۰) مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام. ۱۰۱) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۳۲. ۱۰۲) سوره واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱. ۱۰۳) سوره توبه، ۱۰۴. ۱۰۰) سوره حدید، آیه ۲۱. ۱۰۵) سوره بقره، آیه ۱۴۸، و مائده، آیه ۴۸. ۱۰۶) سوره حشر، آیه ۱۰. ۱۰۷) نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۹۷۸. ۱۰۸) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳. ۱۰۹) بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۲۸. ۱۱۰) بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۲۸. ۱۱۱) امثال و حکم الامام کاظم علیه السلام، ص ۴۱۰. ۱۱۲) بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۲۴ - ۱۳۹، (شوق لقاء الله نگاه کنید). ۱۱۳) بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۱. ۱۱۴) صحیفه سجّادیه، دعای اول. ۱۱۵) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸. ۱۱۶) دایرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۳، ص ۴۹. ۱۱۷) حقایق التأویل، ۲۵۶. ۱۱۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸، دایرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۱۰۴ - ۱۰۵.